

برنامه انقلابی و علمی حزب توده ایران، راهگشای پیروزی نهائی خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع!

• کمیته برون مرزی حزب توده ایران، خاری در چشم امپریالیسم و ارتجاع!

بد نیال سقوط حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در منجلاب خیانت به آرمانهای انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمن ماه و بر ملا شدن سیمای واقعی آن در پیشگاه خلق به عنوان جاده صاف کن بازگشت امپریالیسم و ارتجاع و باز سازنده نظام ضد مردمی گذشته، واکنش های مذبحخانه ای از سوی آن نشان داده می شود، که خود، سقوط حاکمیت جمهوری اسلامی در منجلاب خیانت و رسوایی آن در برابر افکار عمومی را سندیت می بخشد.

— حاکمیتی که با اتخاذ سیاستهای ضد منافع ملی و ضد دموکراتیک، با وقت گذرانی و توسل به اقدامات و تدابیر تا بیوسیده و مخالف اهداف انقلاب، ضربات کاری و مهلکی بر پیکر نحیف اقتصاد ملی میهن مان وارد ساخته و آن را درسرا- شیب بحرانی ژرف سوق داده؛

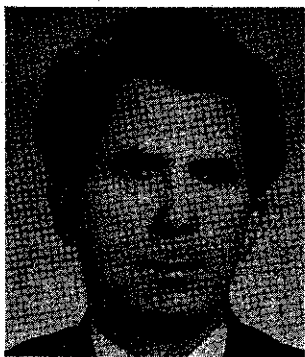
— حاکمیتی که زمانی کارگران را " ستونهای انقلاب " نامیده بود، اینک با بهره گیری از اهرمهای قدرتی کهد را اختیار دارد، منافع آنان را آماج حملات چپاولگران و استثمار گران قرار داده: به ارمغان آوردن قانون ضد کارگری، متلاشی- ساختن تمام سازمانهای صنفی و طبقاتی کارگران، پیگرد و تعقیب پلیسی بربر منشا نه همه فعالین جنبش کارگری، غیر قانونی

بقیه در صفحه ۲



جمعه ۲۲ مهر ۱۳۶۲ مطابق
۱۴ اکتبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۶۳
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

بدرود رفیق باغبان!



از سیاهچالهای جمهوری اسلامی خبر می‌رسد، که رفیق گرامی ما اکبر باغبان بد نیال شکنجه های روحی و جسمی وحشیانه جان خود را از دست داده و به صف طولانی شهدای حزب پیوسته است.

خبر مربوط به شهادت رفیق باغبان را ما مدت ها پیش دریافت کردیم. ولی چون گاه خود شکنجه گران، شایعات دروغی را مبنی بر درگذشت این یا آن رفیق پخش می‌کنند تا سپس با تکذیب آن گویا تمام جنایات خود را پرده پوشی کنند، مجبور شدیم مدتی طولانی صبر کنیم تا علائم دیگری مبنی بر تاسف آید آن برسند. اکنون دیگر مطمئن هستیم، که رفیق اکبر باغبان نیز مانند بقیه در صفحه ۹

شوروی ستیزی افسارگسیخته چه هدفی را دنبال می‌کند؟

" جنگ، جنگ تا پیروزی " شعارشان بود، عملشان اینک (که خود نیز بدان اعتراف دارند)، باعث شعله و تر شدن " آتش جنگ " (راديو ایران - ۱۷ مهر) از آب در آمد! دفاع از منافع ملی ایران و دفع خطر امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ادعا - پیشان بود؛ عملشان اینک، باعث افزایش نفوذ امپریالیسم، تحکیم پایه‌های دسته بند پهلوی نظامی امپریالیستی در منطقه، موج جلودادن سیاست امپریالیستی سرهم بندی کردن " پیمان منطقه‌ای "، به جلوانداختن زمان اجرای مانور های نظامی توسط امپریالیسم و اعمال دست - نشاندن آن در منطقه گشته و دستاویز دخالت نظامی امپریالیسم در خلیج فارس و در اختیارش قرار میدهد!

هیاهوی مبارزه با امپریالیسم شان گوش فلک را کر کرد؛ عملشان اینک، جاده را برای بازگشت امپریالیسم صاف می‌کند!

در بوق کرنا دمیدند که تمام منابع زیرزمینی میهن مان را به نفع شکوفایی اقتصادی و ترقی اجتماعی و جهت تأمین عدالت اجتماعی، یکبار خواهد گرفت؛ عملشان اینک، دروازه‌های منابع زیر زمینی، از جمله نفت - این طلای سیاه و ثروت و سرمایه ملی خلقهای ایران - را چهار -

بقیه در صفحه ۱۰

گاس هال دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا: "به شکنجه توده‌ایهای در بند پایان دهید!"

در صفحه ۳

راديو مسکو: توده‌ایها، ثابت قدم‌ترین مدافعین منافع زحمتکشان

ارتجاع دو آشته ایران فراهم شده بود - انجام گرفته بود - محمدرضا، که از ترس قیام ملی قرار را برقرار ترجیح داده بود، دوباره روی تخت سلطنت نشاندن شد - سیبهدزاهدی، که در بقیه در صفحه ۴

۲۰ سال پیش، در ایران فرمانی صادر شد که طبق آن، افرادی که در حزب توده ایران عضویت داشتند " سزایشان " اعدام بود - بیش از یکماه بود که کودتای ۲۸ مرداد - که مقدمات آن توسط سازمان " سیا " آمریکا و

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

برنامه انقلابی و علمی حزب توده ایران، راهگشای پیروزی نهائی خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع!

بقیه از صفحه ۱

هستی چهل و دو ساله حزب توده ایران کارنامه مبارزاتی خلق های ما و طبقه کارگر ایران است. آنها که می کوشند با منظره سازی های حساب شده تاریخ حزب توده ایران را مخدوش کنند و چهره مردمی و انقلابی آنرا زشت جلوه دهند، آنان که به این گنجینه و محصول برآمده از رنج و ستیز و خون، ۴۲ سال پیکار کارگران و زحمتکشان میهن ما لای ولجن می پاشند، چه خواهند و چه نخواهند دشمن خلق و طبقه کارگر ایرانند. چرا که لکه دار کردن این تاریخ و این حزب، اثبات سترونی خلق های ایران و فقیر و تهی نشان دادن تاریخ طبقه کارگر ایران است. تلاش در این راستا، جزئی از جنگ روانی ارتجاع و امپریالیسم طبقه کارگر، علیه تمام نیروهای است که پیشتر ترقی و سعادت انسانیت اند.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، در برنامه خود، برای تمام معضلات جامعه امپریالیسم و ارتجاع زده ما، برای میهن بیرون آمده از زیر یوغ رژیم سلطنتی کودتائی و اکتسون کشیده شده به زیر یوغ کودتای خزنده ضد انقلاب و راستگرایان، که به پرچمداری تسلیم طلبان، بر میهن ما مستولی شده است، راه حل های روشن و انقلابی ارائه کرده است. بخشی از این پیشنهادات حتی در قانون اساسی ج ۱۰۱۰ نیز تبلور یافته و ثبت شده است!

بدیهی است، که حاکمیت راستگرای جمهوری اسلامی، که این قانون اساسی راه که به تأیید اکثریت مطلق مردم ایران رسیده است گستاخانه زیر پا گذاشته، از هر وسیله مزورانه و پلیس ی برای آلوده کردن حزب ما و برنامه و اندیشه انقلابی و میهنی آن بهره می جوید.

وحشت از فعالیت کمیته برون مرزی

اما تمام این لجن پراکنی ها، تهمت ها و یورش های افسار گسیخته به اصطلاح ایدئولوژیکی، تنها متوجه گذشته حزب طبقه کارگر ایران نیست. آنان که حزب توده ایران را سدی در برابر پیشروی خود بسوی خاکریزهای انقلاب می پنداشتند، حال به خیال خود حزب و آینده آنرا نیز نشانه گرفته اند و این اثبات سرزندگی و روئین تنی حزب توده هاست.

آنان که حزب را بارها " مرده " و " منحل " اعلام کردند، " سرمرست از باد " پیروزی " در کوس و کرناها دیدند که " همه را گرفتیم "، بر همه چیز تسلط داریم "، اینک ناگزیرند، خود به تداوم هستی رزم جویانه حزب توده ایران اعتراف کنند. این اعتراف، مبین و وحشتی است که از ادامه کاری حزب بر آنان مستولسی گشته؛ وحشت راستگرایان حاکم از فعالیت

بقیه در صفحه ۱۰

مأموران امنیتی " آریامهر " خواهد شناخت. طبیعی است که حاکمیت با حزبی که اعمال تمام نوسازی اجتماعی و اقتصادی میهن مان را در سرلوحه عمل خود قرار داده و آزادی، بهروزی و سعادت مردم زحمتکش را محتوی اساسی استراتژی و سیاست علمی و انقلابی خود قرار داده است انقلابی ترین و علمی ترین برنامه ها را برای شکوفائی جامعه ارائه داده است، جز با سلاح " ممنوعیت " و " منحل " دروغ و تهمت، زور و شکنجه و تیرباران برخورد نخواهد کرد!

این حاکمیت، که لحن تحکم و امر و نهی به مردم را راز بقا خود میدانند، چاره ای جز این ندارد که دست به ایجاد انواع ارگانهای سرکوب بزند، قانون شکنی را به قانون رایج تبدیل کند، شکنجه را به وسیله تأیید سیاست های ورشکسته خود بدل سازد و با دوستی با کشورهای کودتا زده ترکیه و پاکستان را پیشه کند، گسترده ترین مناسبات اقتصادی و سیاسی را با کشورهای امپریالیستی برقرار کند، دست آنان را در تاراج ثروتهای طبیعی کشور و بویژه نفت باز گذارد و با اصرار و پافشاری بر ادامه جنگ، به تحکیم مواضع امپریالیسم و ارتجاع در منطقه یاری رساند.

بدیهی است که حاکمیت راستگرای جمهوری اسلامی، که با اعمال این سیاستها در برابر افکار عمومی از اعتبار و حیثیت افتاده است، کوشش می کند، با بی آبرو جلوه دادن دیگران، با لجن پراکنی به حزب توده ایران، برای خود " اعتبار " دست و پا کند. آنان که خود و سیاستشان با ورشکستگی مواجه شده است، می کوشند با بستن تهمت و افترا و دروغ به حزب توده ها، برای خود اعتبار و حیثیت دست و پا کنند. آنان که خود امروز به میهن و منافع ملی ایران خیانت می کنند با لجن مال کردن حزب طبقه کارگر ایران، به تاریخ مبارزات زحمتکشان ایران خیانت می کنند، اعمال شاه علیه زحمتکشان و حزیشان را موجه جلوه می دهند، تا خیانت تاریخی خود را از مردم و تاریخ پنهان نگاه دارند.

اما آیا با این مشاطه گیری های رسوا، می توان هستی حزب توده ایران، تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران و تاریخ را زیر علامت سوال برد؟ هستی حزب توده ایران، ناشی از مقتضیات رشد جامعه ایران و بویژه رشد طبقه کارگر ایران است.

جامعه، حزبی مجهز به جهان بینی علمی را می طلبد، حزبی که به درک تناقضات و روندهای پخرنج اجتماع می تواند باشد، در گشایش گره ها و رهایی ازین پیست های جامعه فراست به خرج دهد و راه آینده را به روشنی بنماید.

اعلام کردن هر نوع تشکل کارگری، کشیدن شلاق بر تن نزار ورنجد پیده کارگران در محیط کار - خانه ها، به فلاکت کشیدن زندگی بخور و نمیر کارگران، محروم ساختن کارگران از حقوقی که حتی در جوامع هار سرمایه داری نیز به رسمیت شناخته شده اند و ۰۰۰ از این زمره اند!

حاکمیتی که با در پیش گرفتن سیاست ضد دهقانی، بجای دادن زمین به دهقانان زحمتکش و محروم میهن مان و احترام به " پینه دست " آنان، بزرگ مالکان را دوباره برگرده ستم کشیده آنان سوار کرده و دست غارتگران و زورگویان رادریه پخمابردن هستی دهقانان بازگذاشته و موجبات به غل و زنجیر کشیدن دهقانان حق طلب را فراهم ساخته و در نهایت فقر، خانه خرابی و دریدری برای دهقانان به ارمغان آورده است!

حاکمیتی که سیاستش نه در جهت رفح گزینی، مبارزه یا بیکاری، ایجاد مسکن، پیکار یا بیسوادی، تربیت پزشک و گسترش بهداشت و درمان، بلکه در جهت تشدید این نابسامانی های جامعه است.

بدیهی است، که حاکمیتی با چنین ماهیتی با نیروهای مترقی و طرفدار زحمتکشان و در رأس آنان با حزب توده ایران، جز با منطق زور و جفاقت برخورد نخواهد کرد! جای شگفتی نیست، که این حاکمیت کسبه آغوش بروی امپریالیسم گشوده، با حزبی که ۴۲ سال عمر پیکار خود را در راه پیکار برای تأمین منافع ملی ایران در مقابل غارت و استثمار امپریالیستی، علیه چپاول ثروتهای ملی خلق، علیه زورگویی ها و امر و نهی های امپریالیسم، صرف کرده، با منطق شکنجه و شلاق برخورد کند.

طبیعی است، برخورد حاکمیت با حزبی که ۴۲ سال زندگی مملو از حماسه و پیکار آن بسا زندگی زحمتکشان کشور، با زندگی و کار طبقه کارگر رنجبر ایران گره خورده و تمام وجودش در خدمت آن است و لحظه به لحظه زندگی اش در دفاع از منافع کارگران ایران سپری شده، با آگاه کردن آنان به منافع طبقاتی خود و در کوشش برای تشکل آنان عجمین شده و قلب آن ۴۲ سال تمام با طبقه کارگر و برای کارگران پییده جز با منطق تضییق و زور و شلاق و شکنجه نخواهد بود!

طبیعی است که حاکمیت به جنگ حزبی که ۴۲ سال عمر آن در خدمت به دهقانان و در میان آنان، در دفاع از این محرومان رنج کشیده در کمک به تأمین حقوق آنان، در سازماندهی آنان برای دفاع از منافع خود علیه زورگویان خان و قعودال سپهری شده، با تهمت های به عاریه گرفته شده از " سیا " و انتلیجنت سرویس و

کمونیست‌ها و دمکرات‌ها، از توده‌های در بند دفاع می‌کنند

و زحمتکشان جهان، نسبت به حزب مسا و اعضای در بند آن بود، قرائت کردید. در این پیام‌ها، یورش سبحانه به حزب و بازداشت، شکنجه و آزار و قتل اعضای آن شدیداً محکوم گردیده و اعمال فشار و تزییقات بر علیه آنان و کلیه نیروهای مترقی نشانه‌گردش کامل بر راست حاکمیت جمهوری اسلامی و تلاش امپریالیسم و ارتجاع برای نابود ساختن انقلاب ایران، ارزیابی شده است.

حزب کمونیست آفریقای جنوبی، حزب کمونیست سوئدان در بریتانیا، حزب کمونیست اسرائیل و جبهه دمکراتیک ملی جمهوری یمن جنوبی در بریتانیا، از جمله پیام دهندگان بودند. پس از سخنان نمایندگان احزاب و بقیه در صفحه ۸

تأثر بسیار، اقدام به نوشتن نامه‌های اعتراضی خطاب به مسئولین ج ۱۰۱۰ نمودند که در آنها آزادی زندانیان توده‌های و سایر نیروهای دمکراتیک و اجرای اصول قانون اساسی از سوی حاکمیت ج ۱۰ خواسته شده بود.

بریتانیا

در مراسم با شکوهی که روز اول سپتامبر (۱۰ شهریور) به ابتکار احزاب کمونیست بریتانیا، یونان، عراق، شیلی، پرتغال، حزب مترقی زحمتکشان قبرس (آکل) و حزب پیشرو خلق گایانا، بمنظور اعلام همبستگی با حزب توده ایران برگزار شده، دهها پیام پشتیبانی، کسه همگی بیانگر احساسات عمیق بین‌المللی کارگران

اعتراضنامه حزب سوسیالیست پورتوریکو به نخست وزیر ج.ا.ا.

حزب سوسیالیست پورتوریکو طی يك نامه اعتراضی به میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی، خواستار پایان تزییقات علیه حزب توده ایران و علیه رفقای در بند حزب شده است. قسمت هائی از نامه حزب سوسیالیست پورتوریکو بشرح زیر است:

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران ما دستگیری‌های اخیر و شرایط غیرانسانی تحمیل شده به زندانیان سیاسی در ایران را محکوم می‌کنیم. شما بخود اجازه میدید که بنام انقلاب مردم، هزاران میهن پرست ایرانی را دستگیر و زندانی کرده و به آنان اتهامات دروغین روا دارید. ما اینگونه اقدامات اختلاقی شرم آور را که از سوی دولت شما علیه نیروهای دمکرات و انقلابی ایران انجام میگردد محکوم می‌کنم.

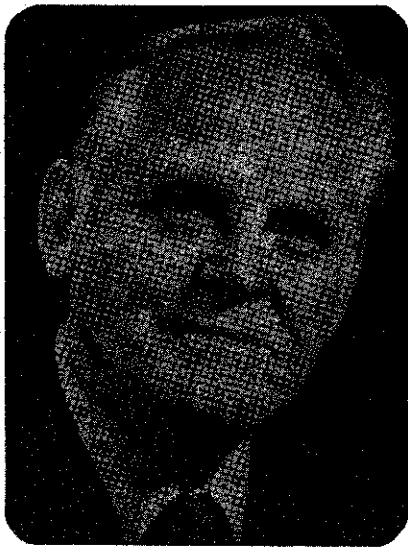
در ادامه نامه حزب سوسیالیست پورتوریکو، کسه "آزادی سریع و بدون قید و شرط" اعضای حزب مسا و سایر میهن پرستان ضد امپریالیست خواسته شده است چنین می‌خوانیم: "سواز شما می‌طلبیم که امکانات لازم را فراهم کنید تا یک هیأت ناظر پزشکی بمنظور بررسی واقعی و مستقلانه از شرایطی که با اجازه شما به زندانیان سیاسی در ایران تحمیل شده است به ایران سفر کنند."

نامه با شعارهای: "زنده باد مردم قهرمان ایران! - زندانیان سیاسی را که به اتهامات دروغین دستگیر شده‌اند آزاد کنید! - ایران و پورتوریکو پیروز خواهند شد!" پایان می‌یابد.

آمریکا

در روز ۸ اکتبر، به همت دوستان و هواداران حزب توده ایران در شهر سنت لوئیس واقع در ایالت میسوری آمریکا، و با کمک جمعیت دوستان آمریکائی ایران انقلابی، برنامه‌ای برای دفاع از زندانیان توده‌های و سایر نیروهای دمکراتیک در ایران، در این شهر برگزار گردید. در این برنامه، که با شرکت وسیع دوستان انقلاب و حزب توده ایران در سنت لوئیس، بیژو و نیروهای فلسطینی، عراقی، فیلیپینی، ایرانی و آمریکائی برگزار شد، ابتدا نماینده‌های از سوی "جمعیت دوستان آمریکائی ایران انقلابی"، مدعوین را در جریان آخرین تحولات پس از سرکوب حزب توده ایران قرارداد و پنه سوالات آنان پاسخ گفت. سپس ویدئوسوی باصطلاح "آقاربر" به نمایش گذاشته شد، که به شدت حاضرین را تحت تأثیر قرارداد حاضرین در جلسه، در پایان با خشم و

گاس هال دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا: "به شکنجه توده‌ایهای در بند پایان دهید!"



روز ۸ اکتبر، در مراسمی که به مناسبت ۷۳ مین سالگرد تولد رفیق گاس هال، دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در شهر شیکاگو برگزار گردید، رفیق گاس هال از غرفه‌های کسه توسط هواداران حزب توده ایران در شیکاگو و "جمعیت دوستان آمریکائی ایران انقلابی"، در محل برنامه برپا شده بود، بازدید بعمل آورد و یک نامه اعتراضی خطاب به دفتر منافع ایران در واشنگتن نوشت. متن نامه اعتراضی رفیق گاس هال به شرح زیر است:

"دفتر منافع ایران در سفارت الجزایر، واشنگتن

آقایان

انقلاب ۱۹۷۹ ایران، از سوی انسانهای ترقیخواه سراسر جهان، که زندگی خود را وقف مبارزه برای حقوق دمکراتیک عدالت اجتماعی و برابری بین انسانها کرده‌اند، به‌مثابه گامی مثبت در جهت دفاع از منافع مردمی که طی سال‌های متعادی زیر چکمه امپریالیسم و عامل سرسپرده آن، یعنی شاه سابق، سرکوب می‌شدند، با استقبال روبرو شد.

بهمین جهت است که من، بعنوان یک پشتیبان مردم ایران و هوادار محتوی ضد امپریالیستی و دمکراتیک انقلاب ایران، مخاطب قرارداد شما از طریق این نامه، شد بدترین اعتراضات خود را به سرکوب وحشیانه دستگیری و شکنجه رهبری حزب توده ایران اعلام میدارم.

حمله به حزب توده ایران، اکنون به یک تعرض علیه تمامی انقلاب و هدف‌های آن مبدل شده است. این حمله حقوق دمکراتیک تمامی مردم ایران را به شدت به مخاطره انداخته

است، چرا که هدف این حمله، نابودی سرسخت‌ترین حریف دشمن دمکراسی در ایران (یعنی راستگرایان و حامیان کلان سرمایه‌دار و بزرگ مالک آنان) است.

من، همصدا با میلیونها انسان سراسر جهان، از مقامات ایرانی میخواهم که:

- ۱- به شکنجه و بد رفتاری با زندانیان اکیدا خاتمه دهند؛
- ۲- علنی بودن دادگاههای اعلام شده برای توده‌های را تضمین نمایند و به یک هیأت ناظر بین‌المللی اجازه شرکت در این دادگاهها را بدهند؛
- ۳- به یک تیم بین‌المللی پزشکی اجازه دهند، که در اسرع وقت، هواداران در بند انقلاب ایران را تحت نظر سازمان صلیب سرخ مورد معاینه قرار دهند.

با احترام - گاس هال
دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

چگونه صلح و آرامش به لبنان باز خواهد گشت؟

بهرروزی لبنان و بویژه برای بهرروزی مارونیت، وضع ممتازی را در سیاست و تجارت تأمین می‌کند و بدین جهت هدفانش به سختی از آن دست پر خواهند داشت. از این نظر به دست‌شواری میتوان پیش‌بینی کرد که چگونه يك منشور تازه ملی را بر پایه واقعیات کنونی جامعه لبنان تنظیم خواهند کرد.

حل مسائل مربوط به جنبه خارجی مشکل لبنان هم به همین اندازه بخرنج و مبرم است. چطور می‌توان از آشتی ملی صحبت کرد و تیکه يك سوم کشور در اشغال متجاوزان اسرائیلی است و پایتخت کشور را نیروهای متعلق به کشورهای عضو ناتو یعنی آمریکا، فرانسه، انگلستان و ایتالیا اشغال کرده‌اند.

تا آنجا که مربوط به حضور یگان‌های ارتش سوریه در لبنان میشود، دولت این کشور اعلام

بالاخره دو تن از رهبران جبهه لبنان یعنی صائب سلام نخست‌وزیر اسبق و رجسلا مهم از مسلمانان سنی و رایموند ادو رهبر شاخه لیبرال مارونیت‌های مسیحی را مشاهده کرد.

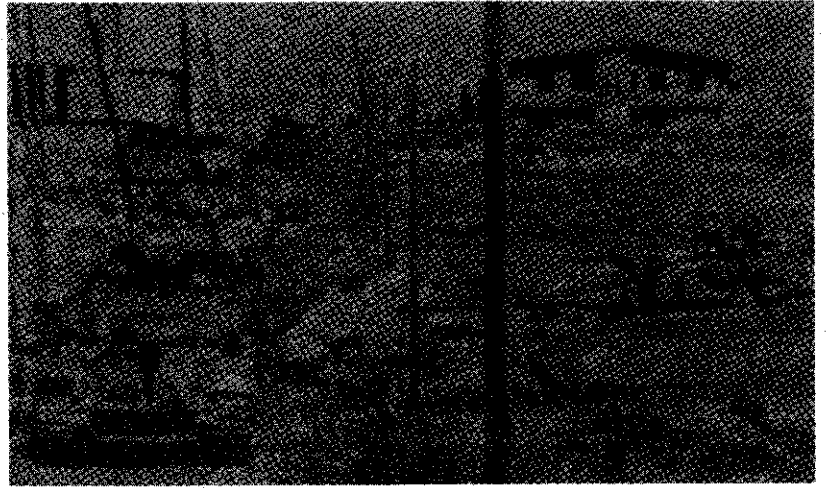
رایموند ادو اکنون ساکن پاریس است و اعلام کرده تا هنگامیکه نیروهای اشغالگر اسرائیلی در لبنان باشند به کشور باز نخواهد گشت.

در این گفتگوها، دیگر رهبران سنی و شیعی و مسیحی‌های مارونیت نیز شرکت خواهند کرد. باید یاد آور شد که تقسیم بندی این شرکت‌کنندگان به "چپ" و "راست"، درست نیست. زیرا مثلاً فرنجیه واده هر دو مسیحی مارونیت هستند و با اشغالگران اسرائیلی مخالفند ولی هیچیک را نمی‌توان جز "نیروهای چپ" به شمار آورد.

این کنگره ملی قرار است يك منشور تازه ملی

با برقراری آتش بس اخیر امید ناچیزی پیدا شده که شاید بالاخره صلح و آرامش به لبنان بازگردد، بخصوص که در نظر گرفته شده است بزودی کنگره‌های برای گفتگوی ملی با هدف دستیابی به يك آشتی ملی میان گروه‌های متخاصم دعوت شود.

درگیریهایی داخلی کنونی در لبنان هنگامی آغاز شده که در آغاز سپتامبر، نیروهای اشغالگر اسرائیلی تصمیم خود را مبنی بر تخلیه مناطق عالی و شوف، در اطراف بیروت که ساکنین آن بطور عمده دروزیه‌ها و مسیحی‌ها هستند، اعلام کردند. برخوردها از این جا شروع شده که چه کسی این مناطق را کنترل کند؟ نیروهای چپ جنبش ملی میهن پرستانه "که حزب سوسیالیست مرفی در آن بزرگترین گروه را تشکیل می‌دهد و یا نیروهای راست "جبهه نجات لبنان"



لبنان: واحد‌های آمریکایی به طور فزاینده‌ای در کشمکش‌های داخلی این کشور دخالت می‌کنند.

کرده است که سربازان خود را تنها پس از خروج بی‌قید و شرط نیروهای اشغالگر اسرائیلی از لبنان بیرون خواهد برد. روی این موضع عبد الحلیم خدام، نخست‌وزیر سوریه، اخیراً بار دیگر تأکید کرد و گفت که مذکره پیرامون بازگشت سربازان سوریه از لبنان "به خروج قبلی و بدون شرط اشغالگران اسرائیلی و لغو قرارداد اخیر اسرائیل - لبنان و تشکیل يك دولت یگانگی ملی در کشور وابسته است".

مانع اصلی بر سر راه حل مسئله لبنان، حضور سربازان خارجی اسرائیلی و غربی در کشور است. هجوم اسرائیل به لبنان و قرار داد تحمیلی اسرائیل - لبنان - آمریکا، که حاصل آنست، لبنانی‌ها را به دو گروه متخاصم آشتی ناپذیر تقسیم کرده است. میتوان بطور قطع یاد آور شد که تا هنگامیکه اشغالگران اسرائیلی و متحدانش از کشورهای امپریالیستی عضو پیمان اتلانتیک شمالی، گور خود را از لبنان گم نکنند، این کشور بلا دیده روی صلح و آرامش بخود نخواهد دید.

تنظیم کننده بر اساس آن، آشتی ملی تأمین شود. این منشور ملی، به عقیده ولید جمیلاط باید امنیت تمام شهروندان لبنانی را تأمین کند و اگر ممکن باشد بر اختلافات ملی غلبه نماید.

منشور ملی کنونی یا آنطور که گفته می‌شود "قرار داد ملی"، روی کاغذ نوشته نشده بلکه "قرار شرافتمندانه ای است که از سال ۱۹۶۳ به اینطرف، زندگی سیاسی در لبنان را تنظیم می‌کند و نمایندگی همه گروه‌های نژادی - مذهبی را در حکومت تضمین می‌نماید. موافق این قرار شرافتمندانه، رئیس‌جمهور لبنان باید مسیحی مارونیت باشد، نخست‌وزیر مسلمان سنی و رئیس مجلس مسلمان شیعی. دیگر جمعیت‌های مذهبی از قبیل ارتدکس‌ها، کاتولیک‌های شرقی، ارمنی‌ها و دروزی‌ها هر کدام يك یا دو وزیر در کابینه دارند و در مجلس هم هر يك از آنها به تعداد معین نماینده می‌فرستند. این يك منشور محافظه کارانه‌ای است که دیگر زمان آن سپری گردیده و خود حوادث لبنان، تا کافی بودن آن را ثابت کرده است. اما این سند پراپی

که حزب فالانژ نیروی اصلی آنست و توسط ارتش لبنان هم پشتیبانی می‌شود؟ و یا سازمان نیروهای شیعی لبنان "اهل" که در محلات جنوب غربی بیروت مستقر است و با ارتش لبنان؟ سپس این برخورد ها، از چار چوب لبنان یکلی بیرون رفته زیرا واحد‌های آمریکایی و فرانسوی نیروهای "حافظ صلح" یا توپخانه و نیروهای هوایی به پشتیبانی از ارتش لبنان و فالانژیست‌ها وارد عمل شدند. و اینک هم در انتظار گفتگوهای ملی برای آشتی ملی هستند ۱۲۰ تن از رجال برجسته لبنان، برای شرکت در مذاکراتی دعوت شد مانند که در آن نمایندگان جریانهای گوناگون سیاسی و گروه‌های نژادی - مذهبی حضور دارند. در میان آنان میتوان سلیمان فرنجیه، رئیس‌جمهور اسبق لبنان، رشید کرامه، وزیر اسبق و ولید جمیلاط، رئیس حزب مرفی سوسیالیستی و همچنین سو رئیس "جبهه نجات لبنان" از جمله پییر جمیل، رئیس حزب کتاب و پدر امین جمیل، رئیس‌جمهور و کاملی شمعون، رئیس‌جمهور اسبق و

کدام زنی، به این «احکام» گردن می نهد؟!

زنان میهن ما از ارزش شان و شخصیت خود بخوبی آگاهند...

سرانجام نمایندة زن مجلس، که وظیفه دفاع از حقوق "جامعه" زنان را در "مجلس شورای اسلامی" بر عهده دارد، مهر سکوت خود را شکست و درباره "حیاتی ترین و مهم ترین" مسئلهای که "اکثریت جامعه" ما را رنج می دهد، سخن گفت: بی حجابی!

اینکه چه چیز "اکثریت جامعه" ما را رنج می دهد، البته مطلب پیچیده ای نیست. اگر خانم رجائی، بهر دلیل - کبیرم دلایل امنیتی! - آنقدر از مردم بدور است و باخواست ها و نیازهای اولیه آنان بیگانه، که نمی داند "همسایگان دور و نزدیکش"، در پی برقراری و تاریکی شب، بی آب و نان، سر به بالین می گذارند و با کابوسهای دلهره آور بیکاری و گرانی و سر رسید اجاره، اطاق - یا برگ تخلیه و بی - سر پناهی - و مسئله نام نویسی فرزندان "قد و نیم قد" خود در مدارس دولتی! - باپرداخت شهریه ای نه کمتر از ۵۰۰ تومان - و پیدا کردن پارچه، رویشی و تهیه قلم و کاغذ و کتاب ... شب را به صبح می رسانند، خود آن "اکثریت" که می دانند در چه "برزخی" زندگی می کنند؛ و آنچه که آنان را رنج می دهد، چیست!

از این رو ما، در بحث را درباره "ایمن حیاتی ترین و مهم ترین" مسئله می بندیم و از نمایندة زن مجلس شورای اسلامی، "ذکر" خصوصی مسائلی کمتر "حیاتی و مهم"؛ سؤال می کنیم؛ مسائلی از قبیل آنچه که در اصول قانون اساسی ج ۱۰، ۱۰ آمده است و در رابطه مستقیم یا سرزینش و آینده و زندگی زنان و دختران میهن ما قرار دارد؛ یعنی مسئله "ده ها هزار زن کارگر و کارمند و پزشک و دبیر و معلمی ... که بر اساس نیت و رأی پرشایسته، هیئتهای "پاکسازی" و "بازسازی" و "۰۰۰ از کار بر- کنار شد مانده، یعنی مسئله هزاران زنی که با استفاده از "قانون اشتغال نیمه وقت زنان"، به خانه ها و آشپزخانه ها رانده شده اند؛ یعنی مسئله صد ها زن کارگر و کارمندی که به برکت تصمیمات وزارت بهداشتی "مبنی بر بستن و جمع آوری مهدکودک ها و اوطلبانه، نگهداری از کودکانشان را به داشتن دستمزد و حقوقی گسسه نان شب و شیر طفلشان را تأمین می کرد، ترجیح داد مانده، یعنی مسئله صد ها زنی که بایک کلام همسر خود: "طَلَّقْتُ"، بی پناه و بی کسی، در جهنم جامعه رها می شوند و حتی دلخوشی بسا خود داشتن فرزندانشان را هم ندارند؛ یعنی مسئله "هزار دانش آموز دختری که با همسه" استعداد و توان آفرینندگی خود، از کسب دانش های زمان منیع شده اند و بجای آن مجبورند، "فن کد بانوگری" و "اصول خانه داری" را بیاموزند؛ یعنی مسئله "ده ها هزار دختر دانش آموزی که در شهرهای کوچک زندگی می کنند و به

دلیل نبود دوره های راهنمایی و نظری و ... از حق تحصیل محروم مانده اند؛ یعنی مسئله "هزاران دانش آموزی که به "جرم" داشتن "فعالیت سیاسی" از ادامه تحصیل منسوخ شده اند و بی آینده و مایوس، به حال خود رها شده اند؛ یعنی مسئله صد ها زن و دختری که به "گناه" مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در سیاهچالها و فراموشخانه ها، محبوس شده اند؛ یعنی مسئله "اکثریت" جامعه "زنان" ما که شما به عنوان نماینده آنان، بر کرسی مجلس تکیه زده اید و حتی یکبار هم، از کمترین حقوق آنان دفاع نکردید!

البته نه ما و نه "اکثریت" زنان میهن ما به پاسخ های شما امید نیستیم. بیشتر به این دلیل که با برخورد های توهین آمیز و تحقیر کننده "شما و همکرائتان، نسبت به مقام زن آگاهیه، وقتی شما که عنوان "نماینندگی زنان جامعه" ما را یدک می کشید او را "کودک لجنوج و انحطاف ناپذیری" می شمارید که "خیر صلاح" خود را نمی داند و باید "برای تربیتش خشونت بخرج داد" و "تنبیه جسمی" کرد آزادگان ۱۰ مهر - به "منطق" و پاسخ شما چه امیدی می توان داشت؟!

اما زنان ما، که در عرصه های کار و ز م، بلوغ سیاسی و کارآمدی خود را به تمامی به اثبات رسانده مانده، نه با این تحقیر و توهین ها، نه با این تهدید و "تنبیه" ها و نه با تحقیر و تکریم های کاذب و پهر رنگ و لعابی که تنها یک "کودک رام" را فریب می دهد، از میدان به در نمی روند ... آنها، از ارزش شان و شخصیت خود، به خوبی آگاهند و نقش سازنده و جانشین ناپذیر خویش را می شناسند و می دانند کسانی که عرصه "عمل آنان را" در نقش همسری، در نقش مادری، در نقش مدیر خانه - "جمهوری اسلامی" ۱۰ مهر - محدود می کنند، هر چند خود را "گروهی از خواهران" بنامند، با موجودی همه توان، بنام "زن"، بکلی بیگانه اند.

واقعا کدام زنی، به این احکام گردن می نهد؟!
- بهتر است او (زن)، در معرض تصادفات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار نگیرد تا بهتر بتواند کانون زندگی را آرام و گرم نگهدارد. (۱)
- وظیفه او (زن)، خوش رفتاری و خوش خلقی و دلجوئی از همسر است. (۱)
- (زن) در مسائل پر دامنه و نیازمندیهای عقلی، تبعیت از شوهر دارد. (۱)
- او (زن) نیازمندی به داشتن رأی و اختیاراتی در جهت بهرروری فرزند است و قطعا این رأی و اختیارات ربطی به سیاست و اجتماع ندارد. (۱)

باریک بین

بالاخره چی؟!

"خیانت حزب توده، نه تنها امروز معلوم است، بلکه از دیر باز، تاریخ اعمال و نقشه های خائنه آنرا اثبات کرده است ... (موسوی اردبیلی - جمهوری اسلامی ۱۸ اردیبهشت) .
"شاید این سوال بشود که چرا از آغاز معلوم و روشن نبود ... به همین خاطر صبر، کردیم تا اینکه توطئه ها را خداوند، یکی پس از دیگری بر ملا ساخت ... (مهدوی کنی - صبح آزادگان، ۱۷ اردیبهشت) .

«احساس فشار» یا ...

"آنروزی که شما احساس کردید که می خواهید فشار به مردم بیارید، بدانید که دیکتاتور دارید می شوید. بدانید که مردم معلوم شده از شما رو برگرداندند ... (اطلاعات ۸ شهریور) .

"حاکم اسلامی، وقتی از مردم چیزی می خواهد، به مردم امر می کند، مردم باید اطاعت کنند ... (رئیس جمهور - اطلاعات ۱۲ شهریور) .

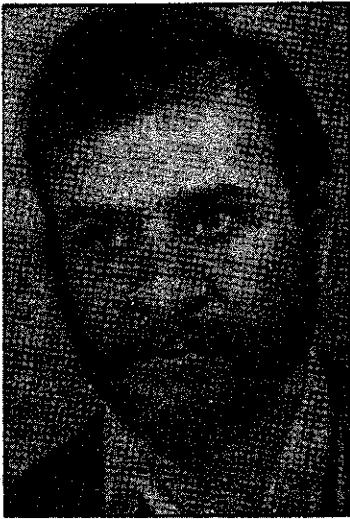
کمونیست ها و دمکراتها از ...

بقیه از صفحه ۴

مقاله ضمن بررسی شرایط اسفباری که انقلاب بدان دچار شده است، به وضع فلاکت آفرین اقتصادی کشور و بازرگان آن بردوش زحمتمندان ایران اشاره شده، پایمال نمودن هر نوع صدای آزاد یخواهی، حق طلبی، بازداشت و شکنجه و کشتار اعضای حزب توده، ایران، فعالین جنبش کارگری و سایر نیروهای دمکراتیک شدیدا محکوم گردیده است. نشریه بانک امپلی ایجاد شرایط و جو فوق را در خدمت امپریالیسم و ارتجاع به قصد نابودی انقلاب ایران ارزیابی کرده است.

● در نشریه "ماهانه" جنبش رها نیخش ملی بحرین، "ویژه" تیرماه، مقاله ای در مورد اعمال فشار و تضییقات علیه حزب توده، ایران، به چاپ رسیده که در آن، ضمن درج بخشهایی از اعلامیه "کمیته" برون مرزی حزب توده، ایران، به شکنجه هایی که سنا و اکیه های به خدمت جمهوری اسلامی در آمده، بفرزند اینان تودهای اعمال می کنند، اشاره کرده و خواستار اعزام هیاتی بین المللی، مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران، جهت ملاقات با آنان، شده است.

رفیق شهید عسکر دانش شریعت پناهی جان عاشقی که تار آرمغان خلق شد



تسوده* ایسران در خوزستان کرد و سرانجام به دنبال فراخوان حزب مننی بر مقابله فعالانه با توطئه امپریالیسم آمریکا، گام در جبهه جنگ دفاع از میهن انقلابی نهاد و در سازماندهی نیروهای مردمی در خطوط " خونین شهر " نقش مهمی داشت. در روز ۲۰ مهر ۵۹، فرمانده " جبهه، فرمان عقب نشینی داد. اما رفقای ما و مردمی که در پشت جبهه " خونین

در طول ۴۲ سالی که از تاریخ پرفراز و نشیب اما ظفر نمون حزب تسوده* ایران می گذر ده همواره و در تمامی آزمونهای تاریخی مبارزات مردم ایران، توده های ما در صف مقدم بودند. هر جا در انبار خشم توده ها شعله افتاد، هر جا علیه امپریالیسم عصبانی بیاشد و هر جا بر ضد زور و زر سنگری بود، توده های ما در سنگرهای مقدم رزمیدند.

آنگاه که جنگ افروخته* امپریالیسم آمریکا نیز بر میهن ما دامان گشود، این توده های ما بودند که همپای سیل خروشان مردم در سنگر دفاع از میهن با فداکاری جان باختند و حماسه آفریدند. رفیق عسکر شریعت پناهی، که اینک ۳ سال از شهادتش میگذرد، یکی از هزاران توده ای شرکت کننده در جنگ بود، که قهرمانانسه به وظیفه حزبی، ملی و میهنی اش عمل میکرد. رفیق شهید، در تاریخ ۲ خرداد ۱۳۲۹ در سمنان متولد شد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در سمنان و تهران گذراند و سپس در سال ۱۳۴۷ برای ادامه تحصیلی عازم آلمان فدرال گردید. در حدود ۸ ماه پس از ورودش به آلمان فدرال، به سائقه صد اقت انقلابی و ذکاوت فطری خود راهی را برگزید که تا پایان زندگی کوتاه، اما نمونه وار خود، با نیرویی که گویا بی پایان است و کوششی که خستگی نمی شناسد به آن وفادار ماند. او راه حزب تسوده* ایسران را برگزید و به عضویت حزب درآمد. چنین بود که رفیق عسکر فرصت یافت تا استعداد درخشان خود را به عنوان یک رزمنده انقلابی در مکتب حزب قهرمان پرور توده ایران آبدیده سازد و همه آن را در اختیار حزب و خلقش قرار دهد. این رزمنده دلاور، این توده های نمونه و این انقلابی صادق، پس از سال ها پیکار بی امان با رژیم محمد رضا شاهسی و انواع نظریات انحرافی چپ نمایان و چسپ گرایان، سرانجام به برکت شایستگی آزمومون شد هاش، به عضویت کمیته حزبی سراسر آلمان فدرال گزیده شد.

هنگامیکه نبرد تاریخی پر شکوه مردم ایسران اوج می گرفت، به دستور حزب خود به ایسران آمد و در آن روزهای سرنوشت ساز انقلاب، در کنار توده های مردم، در نبرد علیه رژیم شاه شرکت کرد. پس از پیروزی انقلاب، نبرد به گونه ای دیگر ادامه می یافت و حزب او را به عنوان یکی از شایسته ترین کادرهای خود، به یکی از حساسترین مسئولیتهای حزبی برگزید و به عنوان مسئول سازمان ایالتی حزب تسوده* ایسران در خوزستان، به آن خطه فرستاد. رفیق عسکر در سازماندهی تشکیلات حزب در سراسر خوزستان نقش فعال و درجه اول داشت. او به مثابه یک انقلابی حرفه ای، تمام زندگی خود را وقف پیشبرد جنبش انقلابی ایران و رشد گسترش حزب



شهر " آماده " دفاع بودند، حاضر نبودند حتی یک وجب از خاک میهن را به دشمن سپارند و به کمک آمدند. رفیق عسکر در این تلاش حماسه آمیز نقش درجه اول و نمایان سازماندهی مقاومت و دفاع از " خونین شهر " را به عهد داشت. و سرانجام در این روز، حدود ساعت ۱۱، به هنگامیکه برای رساندن کمک به سنگر مجاور، از سنگر خود خارج شده بود، خمپاره ای در نزدیکی او فرود آمد و پیکر برومندش را به دو نیم کرد و این رزمنده توده ای را به شهادت رساند. پیکر خونین رفیق عسکر را به زادگاهش، سمنان بردند، گروه کثیری از مردم به استقبال فرزند قهرمان شهر، به بیرون شهر آمده بودند. شهر برای تشییع جنازه شهید خود - شهید خلق، شهید حزب تسوده* ایسران - تعطیل شده بود. در مراسم تشییع جنازه رفیق عسکر، مادر شهید به آنان که در سوگ قهرمان می گریستند، می گفت: " بر شهادت عسکر گریه نکنید. او به آنجا رفت که دلش می خواست. او به راه وطنش، به راه حریش رفت. استوار باشید و راهش را ادامه دهید."

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب تسوده* ایران بمناسبت شهادت رفیق عسکر چنین آمده است: " این نمونه درخشان، به همراه هزاران نمونه درخشان دیگر، طی پیکار ۴۰ ساله حزب تسوده* ایسران علیه امپریالیسم جهانخوار،

بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بار دیگر با روشنی اثبات می کند که توده های ما از پیگیرترین مبارزان ضد امپریالیسم و پر شورترین مدافعان استقلال، آزادی و تمامیت ارضی کشور خویشند و در این راه سترگ با تمام هستی خود ایستاده اند."

و بدین ترتیب صفحه زرین دیگری بر تاریخ مبارزان پر افتخار حزب تسوده* ایران، حزب طبقه کارگر ایران، افزوده شد که در آن نمسای پهلوانی و روح واقعی تاریخ میهن ما زیانه می کشد.

فرزند ان حیدروارانی، از روزه ها و سیامک ها و وارطانها، تا حکمت جوها و تیزیسی ها و عسکر دانش ها، در نبردی بی امان با دژخیمان و سرمایه داران غارتگر، با جلاان و فتودالها، و با امپریالیسم و ارتجاع رزمیدند و در شکنجهگاه ها و جبهه های جنگ به شهادت رسیدند. نهال آزادی را بارور کنند و حقیق بریاد رفته زحمتکشان را از چنگال و حلقوم امپریالیستها و ارتجاع باز ستانند. شهادت و ایثار آنها، پرده در و رسواگر ستعگران بوده، هسنست و خواهد بود.

عسکر! رفیق، " پرچم دار"، هم رزم، شوریده خلق، شهید خلق! مزار راستین تو، دلپسای ماست، دلپسای تپنده، خلق است. نامت و یادت جاوید باد!

کمونیست‌ها و دمکرات‌ها از توده‌ای‌های در بند دفاع می‌کنند

بقیه از صفحه ۳

آلمان فدرال

در جلسه همبستگی با توده‌ای‌های در بند، که از طرف حزب کمونیست آلمان فدرال و کمیته همبستگی ضد امپریالیستی، در شهر کارلسروهه برگزار شد، قطعنامه‌ای از طرف شرکت‌کنندگان صادر شد. در این قطعنامه آمده است:

" ما بارها شاهد یک دردمشانه کمونیست‌ها، فعالین سندیگائی و دیگر انقلابیون پیگیر ایرانی بودهایم. پیگرد هایی که اکنون توده‌ای‌ها را طعمه خود کرده است، قلب انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران را نشانه گرفته است."

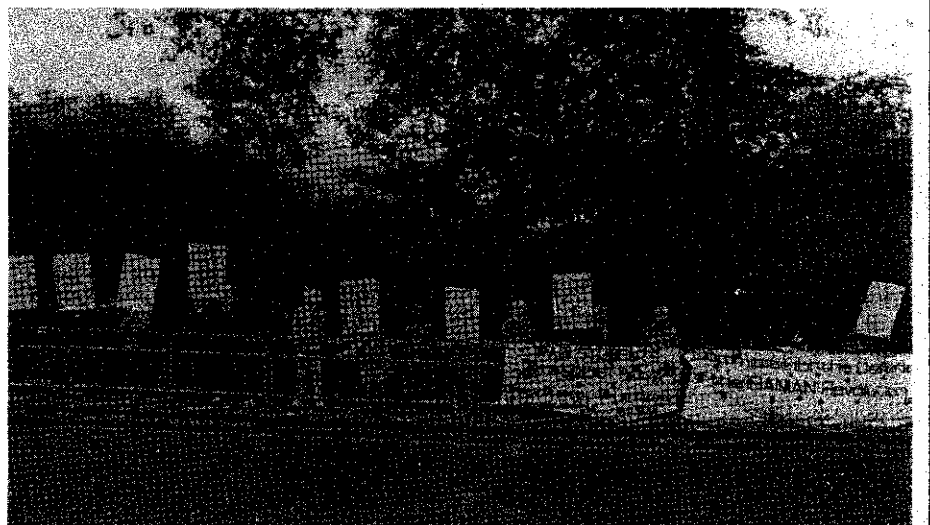
شرکت‌کنندگان در این جلسه همبستگی، در قطعنامه خود خواستار آزادی فوری اعضا و هواداران حزب توده ایران و دیگر دمکرات‌های در بند شده‌اند.

در پایان قطعنامه، جمله زیر به نقل از رئیس

سازمانهای مترقی مختلف، پیرامون این مسائل قطعنامه‌ای به تصویب کلیه شرکت‌کنندگان رسید، که در آن، ضمن محکوم نمودن حمله وحشیانه بر علیه حزب توده ایران، خواست آزادی زندانیان توده‌ای و کلیه مبارزین ضد امپریالیست و نیز اجازه دیدار هیأتی از طرف سازمان ملل و صلیب سرخ با آنان مطرح گردیده است.

● روز بیست و یک سپتامبر (۳۰ شهریورماه)، به ابتکار " کمیته دفاع از انقلاب ایران " و با همکاری احزاب و سازمانهای مترقی کشورهای مختلف در بریتانیا، تظاهرات وسیع اعتراضی نسبت به سیاست ترور و سرکوب وحشیانه حاکمیت چ ۱۰ در مورد انقلابیون و مبارزین ضد امپریالیست ایران، در برابر سفارت چ ۱۰ در لندن ترتیب داده شد.

سازمان دهندگان تظاهرات، با تهیه قطعنامه‌ای که در سطح وسیع، میان مردم توزیع



تظاهرات اعتراضی کمیته دفاع از انقلاب ایران، با همکاری احزاب و سازمانهای مترقی در بریتانیا، در مقابل سفارت چ ۱۰ در لندن

جمهور شهید شیلی، سالوادور آلینده، آمدند و است: " روند های اجتماعی را نمی‌توان با توسل به زور و ترور متوقف کرد." شرکت‌کنندگان در این جلسه، خاطر نشان ساختند که " ما همواره از مبارزات خلق ایران به خاطر تأمین عدالت اجتماعی و استقلال ملی، همچنان پشتیبانی خواهیم کرد."

ایتالیا

طی ماههای اوت و سپتامبر (مرداد - شهریور)، در جشنهای محلی روزنامه "اونیتا" ارگان حزب کمونیست ایتالیا، که همه ساله در سراسر این کشور برگزار می‌شود، غرفه‌های حزب توده ایران، از غرفه‌هایی بود که بیست و یک دروغ‌فرها مورد بازدید شرکت‌کنندگان قرار گرفت. وضع بحرانی انقلاب ایران، تضییقات و فشاری که از طرف حاکمیت چ ۱۰ بر سازمانهای مترقی و از جمله حزب توده ایران وارد می‌آید و دستگیری و شکنجه اعضای این حزب و سایر

گردیده، بازداشت و شکنجه زنان و مردان آزادی خواه و بیژنه اعضای حزب توده ایران را شدیداً محکوم نمود، آزادی کلیه مبارزین زندانی و اعزام کمیسیونی بین‌المللی، مرکب از پزشکان و حقوقدانان را به ایران جهت بررسی وضع آنان، خواستار گردیدند. تهیه کنندگان قطعنامه سازمانهای زیر در بریتانیا می‌باشند:

- حزب کمونیست شیلی
- حزب مترقی خلق گایانا
- حزب ترقیخواه خلق زیمبابوئه
- اعضا و هواداران حزب کمونیست اسرائیل
- سازمان جوانان کمونیست بریتانیا
- انجمن دانشجویان کرد در اروپا
- انجمن دانشجویان عراقی
- هواداران جبهه دمکراتیک ملی در جمهوری عربی یمن
- لیگای زنان عراقی
- جوانان کمونیست یونان
- دانشجویان مترقی قبرس
- هواداران فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

دمکراتها، موجب جلب همبستگی شرکت‌کنندگان در این مراسم و شخصیتهای بارز سیاسی ایتالیا گردید و بازدیدکنندگان از غرفه‌های حزب توده ایران، به طرق گوناگون، همبستگی خود را با زندانیان توده‌ای و سایر زندانیان ضد امپریالیست ایران نمودند. امضا کنندگان بیانیها و کارت پستالهای اعتراضی، به دهها هزار نفر بالغ می‌شوند.

در مراسم برگزاری فستیوال " اونیتا " در ماه اوت (شهریور ماه)، رفیق انریکو برلینگوتی، دبیر اول حزب کمونیست ایتالیا، شخصاً از غرفه حزب توده ایران بازدید و ضمن امضای طومار اعتراضی، نگرانی خویش را از وقایع اخیر ایران و اعمال رفتار وحشیانه دولت چ ۱۰ با رفقای در بند و سایر دمکرات‌های زندانی ابراز نمود.

سوئد

گروهی از مسئولین و فعالین سازمانهای مترقی در شهر پیتتو در سوئد، طی صدور بیانیه مشترکی، نسبت به بازداشت و شکنجه اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سایر دمکراتها بدست حکومت چ ۱۰، شدیدا اعتراض نمودند، خواستار آزادی فوری این میهن پرستان، قطع شکنجه‌ها و محترم شمردن حقوق آنان بر پایه قوانین بین‌المللی، از جمله ملاقات با خانواده - هایشان، حق انتخاب آزاد و کلی و برخورداری از محاکمات علنی با شرکت ناظرین بین‌المللی گردیدند.

امضا کنندگان بیانیه بدینقرارند:

- سیری آلد رین، مسئول اتحادیه زنان چپ سوئد
- فولکه مارک لوند، مسئول کمیته مشترک مبارزه برای اسکاندیناوی عاری از سلاحهای اتمی
- ماریان بری ستروم، از مسئولین سازمان آموزشی حزب سوسیال دمکرات سوئد
- ویویسل نستروم، از مسئولان اتحادیه کارمندان سوئدی سازمان ملل متحد
- باربرو لپند هارو، آنا یونگری، از طرف حزب سوسیال دمکرات سوئد
- ایوان اریکسون، از طرف سازمان جوانان حزب مرکز
- لیلیان دالبری، مسئول یکی از بخش‌های اتحادیه کارمندان بخش‌های سوئد
- یان هنریکسون، از طرف سازمان جوانان کمونیست سوئد
- هانس گروت و گونوی هگ، از طرف سازمان هواداران صلح کلیسا های سوئد
- بنگ هینتینگ، مسئول حزب کمونیستهای چپ سوئد

هندوستان

در تاریخ بیست و یک سپتامبر (۱۹ شهریور) جلسه‌ای توسط حزب کمونیست هند وستان، بخش دلهی، به منظور همبستگی با حزب توده ایران برگزار گردید. در این جلسه، که با شعارهای "انقلاب ضد امپریالیستی ایران را نجات دهید" و تضییقات علیه حزب توده ایران را متوقف سازید! ترتیب شده بود، گروه کثیری از شخصیتهای سیاسی، علمی و فرهنگی و مردم دمکرات هند وستان، شرکت داشتند.

کمونیست ها و دمکراتها از توده های در بند دفاع می کنند

بقیه از صفحه ۸

سخنران اصلی جلسه ، رفیق کریشنان ، دبیر حزب کمونیست هند وستان و مسئول روابط خارجی حزب ، طی شرح مبسوطی از تاریخ مبارزات حزب توده ، ایران در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی و شکنجه های بیرمشانسه ای که در زندانهای جمهوری اسلامی اعمال می شود ، کلیه نیروهای دمکرات و آزاد پخواهسان هند وستان را به مبارزه برای رهایی اعضای در بند حزب توده ، ایران و سایر زندانیان ضد امپریالیست ، فراخواند . وی اضافه کرد که حمله به حزب توده ، ایران و سایر سازمانهای دمکراتیک ، توطئه مشترک امپریالیسم و نیروهای راستگرا برای نابودی انقلاب ضد امپریالیستی این کشور است .

از جمله نشریات مترقی سراسر هند وستان که به درج خبر تشکیل جلسه پرداخته اند ، روزنامه های " پاتریوت " و " عصر جدید " هستند .

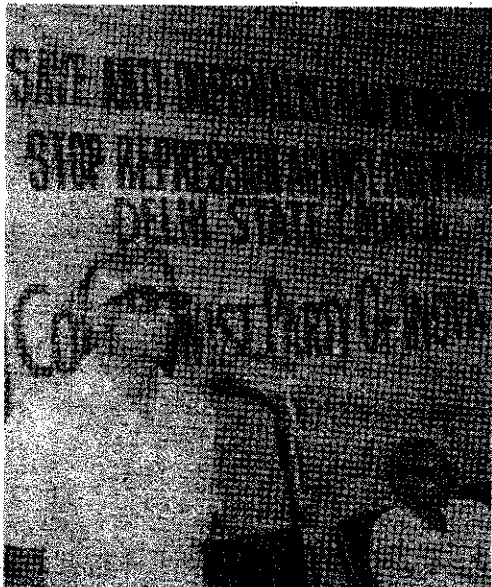
● در قطعنامه پایانی هیأت سیاسی حزب کمونیست هند وستان (مارکسیست) ، بتاريخ سوم و چهارم سپتامبر (۱۲ و ۱۳ شهریور ماه) ، بخشی نیز در رابطه با ایران آمده است ، که در آن ، ضمن اعلام همبستگی هیأت با مبارزان دلاور جنبش دمکراتیک ایران و بویژه با اعضای حزب توده ، ایران ، که مورد تضییقات غیر انسانی حکومت جمهوری اسلامی واقع شده اند ، خواستار پایان دادن به شکنجه ها ، و آزادی آنان و رهایی کلیه زندانیان ضد امپریالیست از بند گردید هاند . متن قطعنامه در اغلب روزنامه های کثیرالانتشار هند وستان ، درج شده است .

● در پی فراخوان فدراسیونهای سراسری جوانان و دانشجویان هند وستان ، در نقاط مختلف این کشور تظاهراتی به منظور اعتراض به سیاست ضد مردمی و ضد دمکراتیک حکومت ج ۱۰ ، هر پا گردیده طی آن ، نمایندگان و مسئولین این دو فدراسیون سخنرانی کردند و تظاهر کنندگان ، یکصد ، قطع شکنجه ها در مورد زندانیان توده ای و سایر دمکراتهای زندانی و آزادی فوری کلیه آنان را خواستار گردیدند .

● در میتیگی که توسط " سازمان سراسری صلح و همبستگی هند وستان " در احمدآباد ترتیب داده شد ، یورش وحشیانه ارتجاع به حزب توده ، ایران و سایر نیروهای دمکرات شدیدا محکوم و آزادی کلیه این میهن پرستان و نیز پایان دادن به جنگ خانمانسوز میان عراق و ایران ، خواستار گردیده است .

● در چهارم سپتامبر (۱۳ شهریور ماه) ، شب شعری به مناسبت وقایع اخیر ایران و شکنجه و آزار اعضای حزب توده ، ایران و سایر دمکراتهای در بند ، بنا به ابتکار شعرای مترقی هند وستان در مدرسه برگزار گردید .

در این مراسم که بیش از صد تن از شعرا و نویسندگان برجسته این کشور حضور داشتند ، از جمله ، یونادیان ، شاعر معروف انقلابی و دبیر کل " انجمن شعرای تامیل " ، سخنانی در مورد انقلاب ایران ایراد و از مبارزات شعرا و نویسندگان انقلابی ایران و میهن پرستان توده ای تجلیل به عمل آورد و ضمن محکوم نمودن اعمال تضییقات در مورد آنان ، کلیه آزاد پخواهان هند وستان و جهان را فراخواند تا علیه ایس بی دادگریها بپاخیزند و زندانیان راه آزادی را



رفیق کریشنان ، دبیر حزب کمونیست هند وستان در حال سخنرانی در جلسه همبستگی با حزب توده ، ایران

از بند برهاندند . شعرای دیگری ، اشعاری را که بدین مناسبت سروده بودند ، به جلسه ارائه نمودند . در خاتمه ، جلسه حضار به احترام زندانیان بپاخاسته و اعلام سکوت کردند .

● هفته نامه " لینک " ، چاپ دهلی ، در چهارم سپتامبر (۱۳ شهریور ماه) ، به درج مقاله ای درباره ایران پرداخته که در آن سیاست راستگرایانه حکومت ج ۱۰ ، بسط روابط دولت ایران با کشورهای سرمایه داری و خشونت آن در قبال مبارزات دمکراتیک مردم ایران بخاطر کسب استقلال ، آزادی و صلح پایدار در منطقه ، بررسی شده است . مقاله همچنین سرکوب حزب توده ، ایران و باز -

بقیه در صفحه ۴

بدرود رفیق باغبان!

بقیه از صفحه ۱
رفقا حسین پور تبریزی و ریاحی بدست جلادان جمهوری اسلامی به شهادت رسیده است .

رفیق شهید اکبر باغبان ، در سال ۱۳۰۳ در شهر مشهد زاده شد . او در سال ۱۳۲۱ ، هنگامیکه پس از پایان تحصیلات متوسطه در اداره تثبیت نرخ غله مشهد بعنوان حسابدار کار می کرد ، نخست وارد سازمان جوانان توده ، ایران گردید و سپس به عضویت حزب پذیرفته شد . فعالیت اصلی او در مشهد و خراسان ، در شورای ایالتی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان متمرکز بود و در سال ۱۳۲۴ مسئولیت دفتر شورای ایالتی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان بحمد هاش واگذار شد .

در آبان ماه سال ۱۳۲۶ او به همراه ۴۳ نفر دیگر از سوی شهریارانی مشهد احضار گردیدند و به آنان ابلاغ شد که طبق دستور مرکز ، چند روز دیگر به خرم آباد تبعید میشوند . برای مصون ماندن از گزند پلیس شاه ، او به همراه چند تن دیگر مجبور به ترک کشور شدند .

رفیق باغبان در تمام دوران مهاجرت تا آنجا که در قوه داشت در مبارزه علیه رژیم آمریکائی شاه شرکت می کرد و برای بازگشت به میهن خود روز شماری مینمود . او از نخستین کسانی بود که پس از پیروزی انقلاب با پیجای گذاشتن همسر و دو فرزندش برای خدمت به مردم و انقلاب عازم وطن گردید . قابل ذکر است که او بهنگام بازگشت در آتش تب میسوخت ولی حاضر نبود مسافرت خود را چند روز به تعویق اندازد تا با تن سالم به وطن بازگردد . رفیق باغبان پس از بازگشت به کشور از نورااهی زادگاه خود مشهد شد و با تمام نیرو در مبارزه برای تثبیت انقلاب و اجرای وظایف اجتماعی آن ، پسا به عرصه پیکار گذاشت .

اما به دنبال خیانت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به هدفهای اولیه انقلاب و تسلیم شدنش به بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و دیگر غارتگران ، که حاصلش محو کامل آزادیهای سیاسی و لگد مال شدن عدالت اجتماعی بود ، سرنوشت رفیق اکبر باغبان نیز مانند سرنوشت دیگر کسانی شد که به شعارهای اولیه انقلاب ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی وفادار مانده بودند از نوزندان و باز هم شکنجه . ولی رفیق باغبان از جمله کسانی بود که تا عمق روح خود به آرمان کارگران و دهقانان و زحمتکشان ایمان داشت چرا که از خانواده کارگری و شیرخوار سینه های رنج و درد بود .

یادش برای همیشه زنده و گرامی باد!

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

برنامه انقلابی و علمی حزب توده ایران، راهگشای پیروزی...

بقیه از صفحه ۲

کمیته برون مرزی حزب توده ایران، وحشت از وجود آن، که تبلور وجود حزب و راهبر این مرحله از مبارزه خونین حزب کارگزاران است، وحشت از رهنمودهای پرثمر آن برای تدوین مبارزه در راه آرمانهای انسانی و انقلابی حزب، قابل درک است!

امپریالیسم و ارتجاع به عبث در این اندیشه بودند که گویا توانستند حزب توده ایران را از رهبری خردمندان محروم سازند. آنان فکر می کردند که می توانند دوران طولانی بی عملی، انفعال و سردرگمی، تشنگی و دودستگی را بسر حزب توده ها تحمیل کنند. اما حضور فعال کمیته برون مرزی حزب توده ایران، ادامه کاری سیاسی و تشکیلاتی توسط آن و از همس

شد هاند، بلکه حزب توده ایران تمام آن فرزندان این خاک و بوم اند که در راه آرمانهای طبقه کارگر در راه بهر پیروزی زحمتکشان و در راه ترقیخواهانه و انساندوستانه خود گام برمی دارند و پیکار می کنند.

آیا می توان با امروز نهی، با شلاق و شکنجه، جلوی حرکت چرخ تاریخ را گرفت؟ آیا امسر مقدس رهایی طبقه کارگر از یوغ بهره کشی ستگران با بازداشت و تیرباران روحی و جسمی مبارزان این راه، نابود شدنی است؟ خیر! حزب توده ایران جزئی از تاریخ است و تاریخ را کسی یارای ایستادن نیست! ۴۲ سال است که این نبرد سرنوشت ساز،

زندگی حماسه آفرین حزب توده ایران را می سازد و تا زمانی که شمشیر آخته تاریخ، مجامعه را به دو شقه کرده، این رزم بی امان، ادامه خواهد داشت. این ضرب و سرکوبها، به بند کشیدن ها و آزارها، حزی را، که در طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ریشه دوانده و در قلب آنان جای والا ئی دارد، از میدان این رزم خونین بدر نخواهد برد.

توده های ما، با عشقی پاک، یسسه مردم و زحمتکشان میهن خود، زنده ماند. کسانی که می پندارند، با این فشارها و سرکوبها، با این تهمت ها و لجن پراکنی ها، می توان حزب توده ایران را فلج و نابود ساخت، معنای عشق و کین و قدرت حماسی آن را نمی شناسند.

بقول مولانا:

"گرسایه عاشق فتد،

برکوه سنگین، برجهند!

نه چرخ "صدق" ها زند،

تو منکری؟! نک آزمون!

رفقا و هواداران حزب!

- بکوشیم تا یورش مجدد به سنگرهای امپریالیسم و ارتجاع را واقع بینانه و علمی سازمان دهیم!

- ضوابط تشکیلاتی را در دوران نبرد با ارتجاع سیاه، دقیقاً رعایت کنیم!

- با گرد آمدن به دور کمیته برون مرزی حزب توده ایران، و پیروی از رهنمودهای آن، پرچم ظفر نمون حزب را هر چه برافراشته تر سازیم!

- بکوشیم تا هر چه در توان داریم، در خدمت موفقیت برگزاری پلنوم هجدهم حزب قرار دهیم!

زنده باد حزب توده ایران!

مهمتر، تدارک برپایی پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران، که قادر خواهد بود باز حزب را در شاهره تحقق برنامه های ترقی - خواهانه، انقلابی و در خدمت منافع طبقه کارگر ایران و تمام زحمتکشان میهن ما رهنمون شود، این امید و آرزوی ارتجاع را به یأس مبدل ساخته است.

حملات و یورش ها، تهمت ها و افتراها به کمیته برون مرزی حزب توده ایران نیز، بدین خاطر است. ارتجاع خیلی زود درک کرد که حزب توده ایران زنده است. حزب توده ایران تنها آن هزاران نفری نیست که در سنایچهالهای جمهوری اسلامی به بند کشیده

شوروی ستیزی افسارگسیخته چه هدفی را دنبال می کند؟

بقیه از صفحه ۱

طاق به روی انحصارات بین المللی گشوده است! و امروز این سرمستان قدرت، که فریاد "انتقام، انتقام" شان، که دیگر حد و مرزی بخود نمی شناسد، در حسرت انتقام کشی، حاضرند ثروت ملی یعنی نفت - و حتی تمام منطقه را به آتش بکشند و لهیب جنگ مخرب و غیر ضروری را افروخته نگهدارند!

چرا؟ آیا علت آن فقط کودنی سیاسی است؟! بطور قطع خیر!

تسلیم طلبانی از قماش آقای رئیس جمهور، دقیقاً واقفند که به چه بازی خطرناک و زورانه ای تن در داد هاند! وقتی او در نماز جمعه، پسر - خلاف واقعیات، انکارناپذیر و علیرغم اطلاعات دقیق و موثقی که در اختیارشان قرار دارد، در باره سببین واقعی دامن زدن به "آتش جنگ" سخن رانده و اتحاد شوروی را مبورد کین توزانه ترین حملات خود قرار می دهد، نباید این توهم پیش بیاید و این عمل به حساب کودنی سیاسی سخنران گذاشته شود! آید!

این عمل آقای رئیس جمهور روشن و هدفمند است. او بعنوان پرچمدار سازش با امپریا - لیسم و ارتجاع، دقیقاً آگاه است که هیچ پلمسی برای برگشت بسوی مردم، در پشت سر نباید باقی گذاشته شود. آقای رئیس جمهور بخوبی واقفند که "رسالت تاریخی" او و همپالکی هایش در پیش گرفتن يك راه - و فقط يك راه است: راه تسلیم بی قید و شرط به امپریالیسم! تسلیم بلا شرط به امپریالیسمی، که همزمان با وارد شدن مستقیم در صحنه خلیج فارس و تدارک تجاوز نظامی مستقیم به میهن ما، از این تدارک به عنوان اهرم فشار جهت ارتداد بیشتر و بیشتر حاکمیت جمهوری اسلامی و تسلیم بی قید و شرط آن در برابر خواستهای امپریالیسم، استفاده می کند. تا بدین طریق جاده برگشت امپریا -

لیسم پر شتاب تر صاف گردد!

حساب امپریالیسم و ارتجاع و پرچمداران تسلیم طلبشان در حاکمیت جمهوری اسلامی در اتخاذ چنین سیاست ها و شیوه های، بهیچ وجه نباید از روی کودنی سیاسی تلقی شود! حساب آنها روشن و نقشه شان مطالعه شده است: احیاء ایران شاهنشاهی در کموت "اسلام"، با ادعاهای "کوچ نشینی" اما در خدمت مخلصانه نظام "کاخ نشینی"، و در تحلیل نهایی قرارداد ان ایران بطور درست در اختیار امپریالیسم!

ادامه جنگ مخرب و غیر ضرور - هر چند تحت عنوان "جنگ، جنگ تا پیروزی" دنبال شود، هدفی جز تسلیم شدن به امپریالیسم را در بر ندارد.

عریده جوئی های آقای رئیس جمهور علیه اتحاد شوروی - این حامی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن - نمسی - تواند ماهیت واکنش نرم و آشتی جویانه حاکمیت جمهوری اسلامی را در قبال اقدام مفسده جویانه و تحریک آمیز امپریالیسم فرانسه، مبنی بر تحویل سلاح تهاجمی از قبیل "سوپر - اتاندارد" ها را کتمان کند.

در این رابطه، لحن نصیحت آمیز قائم مقام وزیر امور خارجه خطاب به فرانسه، گویای مطلب است: "فرانسه و دیگر جاهلیان رژیم عراق نیز بهتر (!) است سیاست های خود را بر اساس واقعیات (یعنی روند تسلیم پذیری) منطقیه اعلام کنند" (راد یو ایران - ۱۷ مهر).

چنین است سیاست حاکمیتی که در منجلاب خیانت فرو رفته است: کرتشی اینچنانسی در مقابل امپریالیسم فرانسه، دشمن مردم و انقلاب ایران، و گستاخی آنچنانی در برابر اتحساند شوروی، دوست مردم و انقلاب ایران!

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

۲۵ سال از انتشار اولین شماره مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" گذشت

بیست و پنج سال از انتشار اولین شماره "مسائل صلح و سوسیالیسم" ارگان تئوریک و اطلاعاتی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری می گذرد.

در سال ۱۹۵۸، جمعا ۱۸ حزب برادر در تدارک اولین شماره مجله، که به ۱۹ زبان و در ۸۰ کشور منتشر می شد، شرکت نمودند. هم اکنون، "مسائل صلح و سوسیالیسم" (در آستانه انتشار ۳۰۱مین شماره خود) با همکاری ۶۵ حزب کمونیست و کارگری به ۴۰ زبان و در ۱۴۵ کشور جهان پخش می شود.

علاوه بر ۶۵ حزب برادر، از جمله حزب توده ایران، که دارای نماینده رسمی در شورای تحریریه مجله در پراگ هستند، حدود ۲۰ حزب کمونیست و کارگری از طریق شرکت در سمینارها و کنفرانس های علمی مجله و انتشار مقالات و اسنادشان در این تریبون بین المللی جنبش جهانی کمونیستی، در ارتباط نزدیک با شورای تحریریه "مسائل صلح و سوسیالیسم" قرار دارند. خط منفی عمومی نشریه، مرتباً در جلسات مشاوره نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری مورد بحث قرار گرفته و تعیین میگردد. بطور مثال در سال ۱۹۶۰ نمایندگان ۳۶ حزب، در سال ۱۹۷۱ نمایندگان ۶۳ حزب، در سال ۱۹۷۸ نمایندگان ۷۸ حزب و در سال ۱۹۸۰ نمایندگان احزاب کمونیست و سازمانهای دمکرات انقلابی، نمایندگان جنبش های رهاکننده کشور های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در این جلسات شرکت کردند. بنابر این مهمترین اصول فعالیت نشریه عبارتند از بحث و مشاوره بین المللی و جمعی احزاب و سازمانهای برادر، که همگی با حقوق برابر در کار نشریه مشارکت دارند.

احزاب کمونیست و کارگری، بویژه آن احزابی که در کشورهای سرمایه داری فعالیت میکنند، عملاً "مسائل صلح و سوسیالیسم" را در سطح روز بروز وسیعتری تحت شرایط مختلف مخفی، علنی و نیمه علنی با تیراژ بیش از نیم میلیون، در سطح جهان منتشر مینمایند.

مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" یک تریبون مشترک و بین المللی احزاب کمونیست است. از جمله خصوصیات منحصر به فرد "مسائل صلح و سوسیالیسم" این است که از طریق نشر مقاله و تحلیل درباره مسایل مشخص کشورهای مختلف از دید گردان های گوناگون جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و در عین حال نشر مقاله و تحلیل درباره مسایل بین المللی و عام، رابطه دیالکتیکی "علی" و "بین المللی" را مرتباً به خوانندگان بین المللی خود نشان میدهد.

همه اعضای جنبش کمونیستی جهانی دارای حق شرکت خلاق و فعال در کار مجله و همچنین در سمینارها و کنفرانسهای مختلف علمی، که به ابتکار شورای تحریریه تا به حال بیش از ۱۵۰ بار تشکیل شده اند هستند. از مهمترین وظایف مجله صلح و سوسیالیسم، تأمین وحدت و یکپارچگی در صفوف احزاب برادر است. تا کنون در تمام جلسات مشاوره، در تمام کنفرانسها و سمینارهای علمی به کرات به این نکته اشاره شده است. نظر به اینکه احزاب کمونیست و کارگری، در

در ایران، جزوات "مسائل بین المللی" را به شکل ریز چاپ کرده و همراه دیگر انتشارات حزبی، آثار کلاسیک مارکسیسم - لنینیسم، نشریه دنیا، مردم و غیره در سطح بسیار وسیع به ایران می فرستاد. همچنین، مقالات "مسائل بین المللی" مرتباً از صدای حزب، رادیو پیک ایران پخش می گردید. پخش وسیع مجله "مسائل بین المللی" در ایران، به آشنایی مبارزان جوان راه سوسیالیسم علمی با این آموزش یاری رساند؛ به آنان کمک کرد، تا با برخی های مبارزه طبقاتی را



کشورهای با شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوتی فعالیت می کنند، تریبون مجله وسیله ای است برای تبادل نظر و تجربه پیرامون پدیده های گوناگون و بخرنم مبارزه روزمره این احزاب، که گاه بحث ها و مناظرات جالب و پرباری را موجب می شود که به نزدیکی نظریات و درک بهتر برخی های مبارزه اجتماعی در کشورهای گوناگون کمک شایانی می نماید. بحث های مندرج در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" به هر چه غنی تر شدن آموزشهای جهانشمول مارکس، انگلس و لنین و به تبلیغ و ترویج هر چه وسیعتر این انقلابی ترین آموزش دوران ما، یاری می رساند.

حزب توده ایران، که فعالانه در کار مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" مشارکت دارد، تا کنون بیش از صد مقاله و تحلیل توسط اعضای رهبری حزب توده ایران، در مقالات تئوریک و عام مارکسیسم - لنینیسم و همچنین در مورد مسایل خارجی مربوط به ایران در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" به چاپ رسیده است. منتخب مقالات "مسائل صلح و سوسیالیسم" هم اکنون بیست سال است که توسط حزب توده ایران بنام "مسائل بین المللی" ترجمه شده و مرتباً منتشر می شود. در دوران فعالیت مخفی، حزب توده ایران در چار چوب انجام وظیفه، بمشابه حزب طرازنویں طبقه کارگر و مروج مارکسیسم - لنینیسم خلاق

در هفته ای که گذشت:

چه عواملی منافع آمریکا در خاور میانه را تهدید می کند؟

بطوریکه در روزهای اخیر خبرگزاریها اطلاع دادند و به تأیید وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا نیز رسیده تا گروه ضربتی آمریکا با نسا و هواپیمای رنجر در رأس آن، به فوریت به حوضه خلیج فارس منتقل میشود.

از سوی دیگر همزمان با این نقل و انتقالات، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج نیز در این ماه دست به یک سلسله مانورهای نظامی در صحرای قریبی امارات، با نام رمزی "سپر جزیره" خواهند زد که بدین ترتیب از حمایت نیروهای هوایی و دریایی آمریکا برخوردار خواهند بود. همانطور که مجله "الحریه"، نشریه "جبهه" دمکراتیک برای آزادی فلسطین، ضمن اشاره به مانورهای "شورای همکاری خلیج" می نویسد، مانورهای "شورای همکاری" با نظارت کارشناسان نظامی آمریکا، که در ارتشهای کشورهای عضو شورا به عنوان مستشار کار میکنند، انجام میگردد. انجام مانورهای "شورا" پس از مانورهای آمریکا در منطقه، تصادفی نیست، بلکه طبق یک برنامه حساب شده و تنظیم شده در چهارچوب هماهنگی همه جانبه و دقیق است، که آمریکا طرح ریزی کرده است. بعلاوه این مانورها نشانگر آن است که "شورای همکاری" عملیاتی برای ایفای برنامه هائی که برایش پیش بینی شده آماده میگردد. چون شورا در واقع یک پیمان "امنیتی" و نظامی است، که با هدفهای آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و خاور میانه در ارتباط است.

امپریالیسم آمریکا، که در این اواخر جهت تحکیم مواضع خود در منطقه خلیج فارس به تب و تاب افتاده است، به یک سلسله دیدارهای با سران کشورهای مرتجع، از جمله پاکستان دست زده و در کسب امتیاز استفاده از پایگاه های واقع در کراچی، گوآتر، پيشاور و سرگود نیز به موفقیت هائی دست یافته است.

و این برگر، که هم اکنون نقش اساسی در اعمال سیاست توسعه طلبانه آمریکا را به عهده دارد، در حین مسافرت اخیر خود به پاکستان، باردیگر سیاست دولت ایالات متحده آمریکا را در مورد تأمین "منافع حیاتی" آن کشور در خلیج فارس یادآور شده، میگوید:

"ایالات متحده آمریکا، مسئولیت امنیت عبور و مرور کشتیها در خلیج فارس را بایستی به عهده گیرد."

وی ادامه میدهد که هر گونه اخلال در رفت و آمد کشتیها وضع وخیمی را در منطقه ایجاد خواهد کرد. اشاره و این برگر به تهدید مقامات ج ۱۰۱۰ مبنی بر بستن راه آبی تنگ هرمز در صورت حمله عراق با هواپیماهای فرانسوی سوپر

اتاندارد "و" موشکهای اگزوست "به جزیره" خارک و قطع صدور نفت ایران، است. این حرکات تب آلود ایالات متحده آمریکا، تحت لوای دفاع از "منافع حیاتی"، حاکی از خط مشی واشنگتن مبنی بر استفاده از تشنج اوضاع خلیج فارس، تشدید تدارکات نظامی، تحکیم مواضع و حضور دائمی ناوگان خود در منطقه است.

درهای باز در سایه جنگ

آیت الله جنتی، امام جمعه موقت قم، در نماز جمعه پیرامون گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی ج ۱۰۱۰ با کشورهای خارجی اظهار داشت:

"پس از جنگ ۰۰۰ هم اکنون مشاهده می کنیم که چقدر مسافرت های سیاسی و اقتصادی کشورهای جهان به کشور ما افزایش یافته و همه خواهان برقراری و توسعه رابطه با ج ۱۰۱۰ هستند و این ها همه از برکت جنگ است" (کیهان ۵ مهر).

گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران و کشورهای جهان را هیچ کس مورد شک و تردید قرار نداده، تنها نکته ای که ذهن تمام میهن پرستان را از این مسافرت های سیاسی و اقتصادی مشوش می کند، موضوع این مسافرت ها و محتوی آنهاست. اگر این مناسبات در جهت سالم، از نظر سیاسی، افزایش وزن ج ۱۰۱۰ در منطقه و به کرسی نشاندن نظریات "مترقی" و "مستضعف پرور" آن در جهان بود، و نیز اگر از نظر اقتصادی، توسعه مناسبات برابر حقوق و با سود متقابل و در جهت رشد و توسعه سالم اقتصادی ج ۱۰۱۰ قرار داشت، باز مسئله ای نبود. اما یک نگاه گذرا به واقعیات موجود، طاعت این نگرانی عمیق از راهی، که ج ۱۰۱۰ در آن روان است، نمایان می شود. اکثریت قریب به اتفاق این مسافرت ها متعلق است به ورود کارشناسان، مدیران، نمایندگان کنسرنها، انحصارات و شرکت های امپریالیستی به ایران برای بازاریابی و از سرگرفتن پروژه های گذشته، فروش کالا های مختلف به ایران و غیره. از این نظر، طبق گفته خود نمایندگان انحصارات ایران هر رونق ترین کشور از این لحاظ است. مسافرت های سیاسی هم بدین ترتیب، در خدمت این هدف است. ایران به کشور واردکننده کالاهای کشورهای امپریالیستی و صادرکننده نفت - و تنها نفت به این کشورها، تبدیل شده است. و این تنها ادعا نیست.

آقای بانکی به مناسبت هفته جنگ (کیهان ۵ مهر ۶۲) اظهار داشته که:

"صادرات غیر نفتی ایران به علت تورم موجود و عدم توانائی رقابت در بازارهای جهانی کاهش داشته است."

طبق آمار روزنامه اطلاعات، ۵۵ مهر، واردات ایران در مرداد ماه ۶۲، بالغ بر ۱۴۹ میلیارد ریال و در حالیکه صادرات غیر نفتی، بالغ بر ۲/۳ میلیارد ریال شده است. باید پسه آقای جنتی حق داده که این مناسبات افزایش یافته، و "برکت" جنگ نیز همین بود!

سیاست ضد انقلابی حاکمیت، ضربات مهلکی بر اقتصاد کشور وارد آورده است

نوسازی اجتماعی - اقتصادی، محتوی اساسی استراتژی نیروهای انقلابی دخیل در جریسان انقلاب بود. به همین دلیل، حزب توده ایران خاطر نشان ساخت، که چنین نوسازی بایسد بلافاصله پس از کسب حاکمیت سیاسی آغاز گردد و بهیچ بهانه ای نمیتوان این امر عظیم و حیاتی را به بعد موکول کرد.

متأسفانه انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ۲۲

بهمن، از مسیر اصلی منحرف شد. سران ج ۱۰، که سخت سرگرم نبرد بی امان بر سر قدرت بودند، با وقت گذرانی و اتخاذ تدابیر نسنجیده و مخالف با هدفهای انقلاب، ضربات مهلکی بر پیکر نحیف و ضعیف اقتصاد ملی وارد آوردند. خود دای هیئت حاکمه از اصلاحات عمیق اجتماعی - اقتصادی و نیز عدم لیاقت در تنظیم برنامه اجتماعی و اقتصادی و با اجرا گذاردن عاجل آن، موجبات انباشته شدن چنان اشکالات پیچیده و و بخرنجی گردیده، که راه برون رفت از آن به محض بزرگتری تبدیل شده تا جائیکه امروز از سوی سردمداران جمهوری اسلامی ایران، تشبیه دوباره نظم اقتصادی گذشته، به صراحت بحثا به "راه سوم" عنوان می شود و محتوی واقعی برنامه ۵ ساله اول دولت را نیز تشکیل می دهد. واقعیت اسفناک اقتصاد کشور را برخی از مسئولین ج ۱۰۱۰ نیز، علیرغم کوششی که برای ترسیم ثبات و رشد در اقتصاد کشور به عمل آورده می شود - بارها به زیان آوردن - از جمله آقای الویری، نماینده فیروز کوه و دماوند در مجلس، در مصاحبه های با روزنامه "اطلاعات"، (۱۰ مهر ۶۲) اظهار داشت:

"مهمترین مشکلات اقتصادی ما بطصور فهرست وار عبارت است از: انکاز بیش از حد پسه نفت (که متأسفانه با کاهش صادرات غیر نفتی این وابستگی به نفت بیشتر شده است)، وابستگی صنایع به بیگانه (از نظر مواد اولیه، تکنولوژی قطعات منفصله)، وارداتی بودن کالاهای اساسی، فقدان مدیران مکنی و متخصص در حد نیاز واحد های تولیدی، نامشخص بودن قوانین و مقررات کار، مسأله زمین، مسأله حد و مرز فعالیت بخش خصوصی و تعاونی، توزیع ناهمساز لانس کالاهای تورم و احتکار و ..."

تورم

در هفته های اخیر، موضوع افزایش تورم و اثرات ناشی از آن، از طرف برخی از مقامات مسئول ج ۱۰۱۰ مطرح شد. از جمله آقای بانکی،

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، در گفتگویی به مناسبت هفته جنگ (کیهان ، ۵ مهر ۶۲) به وجود تورم در کشور، که در نتیجه رکود تولید و بالا رفتن هزینه های دولت ایجاد گشته، اشاره کرد .

آقای محمد خزائی، نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی، نیز در اولین جلسه پس از تعطیلات تابستانی، به وجود تورم و کاهش قیمت ریال اشاره کرده و گفت:

" نامشخص بودن حد و مرز واردات کالاها به کشور و ضعیف شدن بازار کالاهای صادراتی کشور در خارج، باعث شده که ارزش ریال تنزل پیدا کند " (اطلاعات ۱۱ مهر ۶۲) .

تورم، پدیده های نیست که اخیراً اقتصاد بیمار کشور ما بدان دچار شده باشد پس از مدت ها کوشش برای انکار این واقعیت عیان، که در گرانی بی حساب کالاها بازتاب یافته است، مسئولین مملکتی مجبور به اعتراف وجود تورم شده اند . اما طبق معمول، تمام صحبت های مقامات مسئول علل واقعی بروز تورم را که مختص جوامع سرمایه داری است، از دیده ها پنهان نگاه میدارد و یا تنها گوشه هایی از آنها بیسان می کند .

تورم در کشور ما، طبق محاسبات گوناگون، به عدد سه رقمی رسیده و علت آن نیز سیاست های غلط و نسنجیده اقتصادی دولت، فعال - مایشائی تجار و بازاریبان و عمدتاً بخش خصوصی در توزیع، وجود جنگ و چندین عامل ریزودرشت دیگر است .

بار عمده تورم موجود، بر دوش زحمتکشان

مزد بگیر سنگینی می کند . در حالیکه نرخ تورم روز بروز در حال صعود است . دو سال نیم است که حقوق کارگران و کارمندان زحمتکش افزایش نیافته است . قدرت خرید مردم کاهش یافته و بدین ترتیب سطح زندگی نازل این اقشار و طبقات زحمتکش نازلتر شده است . اگر هر از چند گاهی، کارگران و کارمندان خواستار افزایش حقوق خود می شوند تا بتوانند در مقابل تورم موجود از حداقل سطح زندگی سرخوردار گردند، خواست آنان با مخالفت مقامات دولتی، از جمله همین آقای بانکی، تحت این دعوی، که افزایش حقوق کارگران باعث افزایش تورم خواهد شد، روبرو می گردد .

تورم فزاینده و هوا قب ناشی از آن باری است گران بر دوش زحمتکشان میهن ما، کسانی که تمام هستی خود را در پای نهال انقلاب نهاد ما ند . اما اکنون از محصول " این انقلاب " یعنی چ ۱۰، غارتگران و زورگویان بهره مندند!

انقلاب

بتی که باید شکسته شود

در هفته های اخیر، مسئله ایجاد تعاونی ها از طرف برخی از نیروهای دست اندرکار در جامعه ما مطرح شده، که علت آن نیز چاره جوئی برای رفع محضلات توزیع عنوان گردیده است .

این عمل در حالی انجام می گیرد، که در پی عملکرد های دولت، بخش خصوصی، علیرغم تصریح قانون اساسی، به عامل عمده توزیع در کشور تبدیل شده است که در نتیجه آن نابسامانی امر توزیع، گرانی، کمبود مصنوعی و احتکار پیدا می کند .

با مطرح شدن ایجاد تعاونی ها، از گوشه های گوناگون صداهای مختلفی بلند شد . در مجلس های علیه آن تبلیغ کردند و گفتند که باز تعاونی ها را مطرح ساخته اند . در دولت نیز

صداهای مخالف بلند شد . آقای جعفری، خلف عسکروالادی در وزارت بازرگانی، اظهار داشت:

" ایجاد بتی به عنوان تعاونی درست نیست "

آقای جعفری، که می داند مسئله تعاونی در میان مردم مطرح است و آنان موافق ایجاد این نهاد ها هستند، اضافه کرد:

" مردم تعاون را پذیرفته اند و در امر تعاونی ها مشارکت می کنند، بنابراین این باید تعاونیها را تقویت نمود . ولی نباید با بخش خصوصی مخالفت کرد " . و این محتوی نظری است، که اعمال می گردد :

با بخش خصوصی نباید مخالفت کرد . و اگر کسی بخش خصوصی را زیر علامت سوال ببرد و مثلاً خواهان ایجاد تعاونی ها و ملی کردن بازرگانی خارجی بشود بقول آقای جعفری مشرک است :

" بعضی ها بازرگانی خارجی را ملاک قرار می دهند که این کار هم مشرک است و آفتست اقتصادی حرکت انقلاب ما می باشد "

آقای جعفری، همچون سلفش می کوشد برای زیر پا گذاشتن خواست مردم جهت اجرای این امر حیاتی، که می توانست گره گشا باشد، آنرا " مشرک " بنامد .

البته آقای جعفری، که مسئولیت وزارت بازرگانی را به عهده گرفته، در جایی گفته است:

" مسئله اصلی بازرگانی و اقتصاد کشور، شرکی است که حاکم بر ماست و نمک و زردچوبه و آهن مسئله ای نیست "

و با این گفته از خود رفع مسئولیت کرده و آن را به وزارت ارشاد اسلامی حواله می کند که باید با " مشرک حاکم بر ما " مبارزه کند .

جعفری ها، همچون عسکر اولادی ها، با شکستن بتی به عنوان تعاونی، که از شعارهای انقلاب و از ضروریات آن بود، انقلاب را هدف گرفته و در حال شکستن آنند :

" نمک و زردچوبه و آهن که مسئله ای نیست!

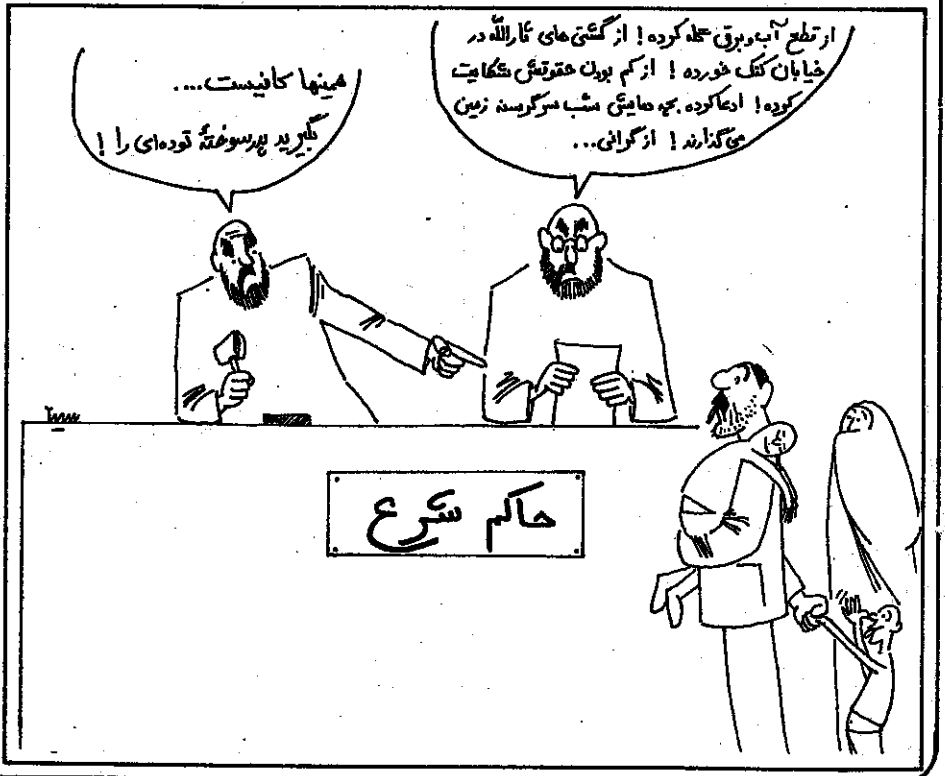
نامه خوانندگان

● دوست عزیز ع از دوسلد ورف، نامه شما در باره بعضی مقالات مندرج در " راه تنوده " به دست ما رسید . با انتقادتان نسبت به مقاله مذکور موافقم . ولی نتیجه گیری های آخر شما را نمیتوانیم تأیید کنیم . ما به موقع خود مقاله مفصلی در این باره ارائه خواهیم داشت .

همچنین درباره مسئله دیگری نیز که تذکر دادید، اولاً سکوت نکردیم، ثانیاً، با دید شما نسبت به این حادثه موافق نیستیم، ثالثاً در حال تهیه مطلبی درباره این معضل هستیم .

● رفیق عزیز آرش، از آمریکا، قطعه های شعر - گونه شما به دست ما رسید . به پشت کارتمان درود می فرستیم و برایتان موفقیت آرزو می کنیم .

● رفیق عزیز آذرگون، قطعه شاعرانه شما رسید . از آن به موقع خود استفاده خواهیم کرد .



پیام سازمان هواداران حزب توده ایران در ایالات متحده آمریکا بمناسبت چهل و دومین سالگشت تأسیس حزب توده ایران

توده ایران عمیق و دردناک است، لیکس حزب توده ایران، برانداختنی نیست؛ زیرا این حزب برآمده از نیاز طبقه کارگر رزمنده و زنده میهن ماست که بمنظور دفاع از منافع طبقاتی آن ایجاد شده است. چهل و دو سال مبارزه گذشته ثابت کرده است که حزب توده ایران توان ایستادگی و پایداری در مقابل طوفانهای سهمگین را بخوبی داراست و از رویارویی با هیچ دشواری‌ای هراسان نیست.

ما چهل و سومین سال عمر حزب توده ایران را با این اطمینان آغاز می‌کنیم که مبارزان توده‌ای در هر شرایطی راه حزب خود، یعنی دفاع بیدریخ از منافع توده‌های زحمتکش میهنمان، راه مبارزه آشتی ناپذیر با همه دشمنان انقلاب ایران و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا، راه مبارزه پیگیر برای تشکیل جبهه متحد خلق متشکل از نیروهای راستین هواداران استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، و راه تقاضای مبارزان واقعی و ضد امپریالیست مسلمان را ادامه خواهند داد.

با درود آتشین به رفقای توده‌ای درینسد، و با درود به کمیته بیرون مرزی حزب توده ایران، آغاز چهل و سومین سال تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، راه تمام رفقها، هواداران و دوستان حزب توده ایران شاد باش می‌گوئیم و برغم همه دشمنی‌ها، تهمت‌ها و افتراات، با سربلندی به تاریخ پر رنج و افتخار-آمیز حزبمان می‌نگریم و یکبار دیگر اعلام می‌کنیم که آرمانهای حزب توده ایران آرمانهای مردم ماست. ما به سهم خود برای رسیدن به این آرمان‌ها به آرمان انسانی، ملی و توده‌ای خویش از هیچ تلاشی باز نخواهیم ایستاد.

پیگیر و خستگی ناپذیر خود را علیه غاصبان خلق و منافع ملی ایران با خون پرداخته است، باز خون بهترین فرزندان را طلب می‌کند. سیاست حزب توده ایران در طی ۴۲ سال مبارزه پیگیر و بی‌امان، برای استقلال و آزادی میهن از یوغ امپریالیسم و بخاطر پشرفت اجتماعی و بهروزی توده‌های زحمتکش خلق و در همبستگی با کارگران و زحمتکشسان سراسر جهان، در پیکار برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، و علیه غارت و تجاوز امپریالیستی از سوی استعمار نو و کهنه بوده است. همبستگی انترناسیونالیستی و وحدت نظری و عملی با احزاب برادر، همواره بزرگترین نقطه قوت حزب توده ایران بوده است. این افتخار حزب توده ایران و اعضا و هواداران آنست که در خانواده جهانی احزاب برادر در جهت بهروزی و خوشبختی جامعه بشری و دستیابی به جهانی فارغ از جنگ، فقر و استعمار بیکار می‌کنند. درست بخاطر همین خصلت و ماهیت است که حزب توده ایران همواره بیش از هر سازمان سیاسی دیگر در ایران مورد کینه، ارتجاع و پشتیبانان امپریالیستی‌اش قرار داشته است. آنها بخوبی میدانند که برای در هم شکستن مقاومت نیروهای ضد امپریالیستی در ایران، باید پیش از همه سنگر حزب توده ایران را در هم بکوبند. از این روست که در آغاز چهل و سومین سال حیات پر افتخار حزب توده ایران، ما بار دیگر شاهد سوختن توده‌های درینسد در شعله‌های کین و نفرت راستگرایان و ضد انقلاب، و بی‌خردی و انحصار طلبی تسلیم طلبان هستیم. . . . با اینکه زخمهای ارتجاع بر پیکر حزب

چهل و سومین سال زندگی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران در حالی آغاز میشود که میهن ما و انقلاب شکوهمند مردمان با یکی از دشوارترین تیردهای تاریخ خود درگیر است. با یورش قانون شکنانه دستگاه حاکمه جمهوری اسلامی ایران، هزاران نفر از اعضا و افراد کادر رهبری حزب توده ایران در زندانها و شکنجه‌گاهها بسر میبرند. جنگ روانی جدیدی از تهدید، ارباب و اتهامات بی‌اساس یا یکبارگی شکنجه‌های قرون وسطایی و انواع وسائل فشار روحی علیه حزب توده ایران و سایر دگراندیشان علاقمند به انقلاب در جریان است.

پس از سی سال محرومیت از فعالیت آزاد و تحمل جنایت‌بارترین ضربات از طرف رژیم وابسته ضد خلقی محمد رضا پهلوی، ۴۲ سال حزب توده ایران ۴۲-مین سالگرد تأسیس خود را یکبار دیگر در شرایط خفقان ایجاد شده از سوی دشمنان اصلی و واقعی مردم میهن ما، یعنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع وابسته به آن، برگزار میکند.

نیروهای راستگرای طرفدار کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، که مواضع کلیدی حاکمیت جمهوری اسلامی را تسخیر کرده‌اند، اکنون می‌خواهند تمام دستاورد های انقلاب شکوهمند ملی - دمکراتیک ۲۲ بهمن ماه را برباد دهند و گذشته تاریک رژیم وابسته و ارتجاعی شاهنشاهی را، این بار با ظاهری مذهبی، باز سازی نمایند. حاکمیت ارتجاع و امپریالیسم قریانی می‌طلبد. ارتجاع و امپریالیسم از حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، که در طول ۴۲ سال عمر پر بار و حماسه‌های خویش بارها بهای پیکار

“کانون خانواده‌های زندانیان توده‌ای”



آنان، به "راه توده" فعالیت "کانون" را پر بارتر و گسترده تر سازید.

کانون خانواده‌های زندانیان توده‌ای

با ارسال رونوشت نامه‌هایی که در رابطه با دستگیری عزیزان خود به مقامات جمهوری اسلامی ایران نوشته‌اید، و نیز شرح چگونگی دستگیری

— درود بر خاطره شهیدای حزب توده ایران
— درود آتشین به زندانیان توده‌ای
— پایدار باد همبستگی بین‌المللی بازندانینان توده‌ای
— برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق
— زنده باد حزب توده ایران، مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران.

سازمان هواداران حزب توده ایران
ایالات متحده آمریکا

۱۹ اکتبر ۱۹۸۳

۱۰ مهر ۱۳۶۲

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

صد میلیون کودک برده در جهان

کلمبیا آنان بدون قرار داد کار در معادن کسار می‌کنند و دستمزدشان همان غذائی است کسه می‌خورند. رژیم " دووالیه " در هائیتی هر سال ۱۵ هزار کودک را به جمهوری دومینیکن می‌فروشد و در مقابل هر یک از این بردگان ۵۰ دلار می‌گیرد که سالی ۱/۵ میلیون دلار می‌شود. به این کودکان به دروغ و دزدی دستمزد در مقابل کار را می‌دهند که هیچگاه دریافت نمی‌کنند در حالی که باید به کار بدنی سنگین در کشتزارهای نیشکر بپردازند. اینان از ابتدائی ترین حقوق انسانی محرومند و با آنان مانند زندانیان ویرگان واقعی رفتار میشود.

کشورهای اروپائی نیز در این فهرست سیاه جای خود را دارند. در ایتالیا ۵۰۰ هزار کودک در کارهای اکثرا غیر قانونی بکار گرفته می‌شوند. در انگلستان و ایالات متحده آمریکا بسیاری از کودکان در سنین تحصیل مجبورند در برابر دستمزدی ناچیز بکار مشغول شوند. جامعه ایران نیز از این " دستاورد " دنیای سرمایه‌داری بی‌بهره نیست! در ایران، طبق قوانین حاکم بر جامعه، کار کودکان مجاز اعلام شده است. توکلی، وزیر سابق کار جمهوری اسلامی، در توضیح وضعیت کار کودکان در پیش نویس " قانون کار " کذایی اش - که هنوز هم از طرف حاکمیت رد نشده است - می‌گوید:

" البته وقتی می‌گویم طفل، طبعا کسی بچه ۵ ساله را سرکار نمی‌گذارند، معمولا بحث بر سر بچه ۸، ۷، ۶ ساله به بالا، ۱۲، ۱۳ ساله به بالاست! (اطلاعات، ۲۲ اردیبهشت)

بنابر این جای شگفتی نیست، وقتی دهها هزار کودک بجای تحصیل در مدارس و کسب دانش، در محیط کار غیر بهداشتی و طاقت فرسای انواع اقسام کارگاهها، از کارگاههای قالی بافی تا کوره پزخانه‌ها و معادن، مورد استثمار واقع می‌شوند. سرپرست دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تعداد کودکان کارگر کمتر از ۱۳ ساله را نیم میلیون نفر اعلام کرده است. اگر بر این میزان، تعداد هزاران کودکی را که در کنار پدران و مادران محروم زحمتکش خود به چوپانی و مراقبت از طیور و علف چینی و هیزم جمع کردن مشغولند، اضافه بکنیم، با وضعیت فلاکت بار کودکان در جمهوری اسلامی آشنا خواهیم شد. جهت آشنا شدن با گوشه‌ای از استثمار کودکان، یکی از کارگاههای بلورسازی نعمت آباد را مثال می‌زنیم:

" از حدود ۲۰ کارگری از این کارگاهها، حداقل ۱۵ نفرشان کمتر از ۱۸ سال دارند که در میانشان افراد ۷- ۸ ساله نیز دیده می‌شوند. ۱۱۴ ناله ۰۰۰ برهان سلطانی، ۱۱۴ ناله ۰۰۰ منصور اسدی، ۱۲۴ ساله ۰۰۰، میرزا علی، ۱۰۴ ساله ۰۰۰ " (اطلاعات، ۱۵ دی ۶۲)

و این مثنی است نمونه خروار از " دستاورد های " جمهوری اسلامی ایران!



بازی و یا مونتاژ وسایل الکترونیکی به آسانسی آنانرا می‌بلعند. وسایل ویژه هشدار دهنده مانع از آن میشود که بازرسان به محل کار این کودکان معصوم که روزی ده ساعت کار می‌کنند و یک سوم دستمزد بزرگسالان را دریافت می‌نمایند نزدیک شوند.

در کره جنوبی هزاران روسی خرید سیال بازار با اصطلاح " سکس تورسم " را تأمین می‌کنند. در کارگاههای لباس دوزی، دخترکان خردسال در کتبه‌های نیمه تاریک روی تخت‌ها نشسته‌اند و در مقابل دستبندی ناچیز، نیم تنه و سراسن برای پیراهن میدوزند.

در فیلیپی پی ۳۰۰ هزار زن مجبورند سربازان آمریکائی را سرگرم کنند. کودکان خانواده‌های فقیر در کارگاههای کار می‌کنند که در دست سازمانهای گانگستری است. علاوه بر آن گانگسترها کودکان را بهنگام خروج از دارالتأدیبها شکار می‌کنند و در مقابل " حمایت " از آنان، سهم بزرگی از " عوایدشان " را که از راه دزدی و قاچاق مواد مخدر بدست می‌آید، می‌گیرند.

سازمان بین‌المللی کار رقم کودکان شاغل در آفریقا ۹/۶ میلیون تن تخمین می‌زند. دستمزد این کودکان چه بسا تنها شامل یک غذای بخور و نمیر است و در بهترین حالت با اضافه سرپناهی در همان کارگاه برای گذراندن شب. در آمریکای لاتین موافق آمار سازمان بین‌المللی کار ۳/۳ کودک زیر بهره‌کشی هستند. در

عظیم قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۶۳، که هر گونه بردگی را ممنوع میکند، در جهان امروز بهره‌کشی از کودکان بنحوی خشن و گسترده، که تنها با بردگی قابل مقایسه است، همچنان ادامه دارد. در آخرین گزارش سازمان بین‌المللی کار که در ژوئن سال جاری منتشر شد، تعداد کودکان زیر ۱۵ سال که به کارهای خطرناک برای سلامتی جسمی و روحی آنان گماشته شده‌اند ۵۲ میلیون تن ذکر گردیده بود. برای اینکه این رقم بسه واقعیت نزدیکتر شود باید آنرا دو برابر نمود. آری صد میلیون کودک در سراسر جهان یا برده و یا بکار مشغولند و یا به خانواده خود در کارهای کشاورزی کمک می‌کنند و در کارگاههای کوچک پیشه‌وران به شاگردی داده می‌شوند. ۹۰ درصد اینگونه کودکان در بهره اصطلاح جهان سوم زندگی می‌کنند. جالب توجه اینکه به موازات تشدید بیکاری در میان بزرگسالان، به کار گماشتن کودکان گسترش پیدا می‌کند. علت آن دستمزد ناچیزی است که به کودکان میدهند. در عین حال کارفرمایان از زیر بار هزینه‌های بیمه‌های اجتماعی هم خلاص میشوند. دلیل موافقت پدر و مادرها با کار کردن فرزندانشان بطور عمده سهم کوچکی است که به درآمد خانواده افزوده میشود. ولی چه بسا خانواده‌های فرزند خود را بر اثر فقر می‌فروشند تا از بار هزینه نگاهداری او خلاصی یابند.

اینگونه کودکان صد و ده تا پانزده ساعت در روز در شرایط غیر انسانی کار می‌کنند. تنها عامل " نجات " برای این تیره‌بختان نیمه گرسنه، که اغلب به مرگ زودرس می‌میرند، همانا سوانح کار و بیماری شغلی است. بخش بزرگی از این کودکان استثمار شده در جنوب آسیا زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۷۷ تعداد آنها، موافق آمار رسمی ۳۰/۵ میلیون تن بود که قیمت عمده آنها در پاکستان بودند. در آسیای جنوب شرقی نیز در سال ۱۹۷۷ فاش شد که ۹/۹ میلیون کودک در کارهای سخت بدنی و بخصوص در تایلند، هنگ کنگ، کره، جنوب و فیلیپی پی مورد استثمار قرار می‌گیرند. فقط در بانکوک پایتخت تایلند که ۸۰۰۰ کارگاه مخفی دارد حدود یک میلیون کودک به کار گرفته شده‌اند. ده سازمان مختلف در آنجا کارشان تجارت با کودکان و نوجوانان است. آنها پایت هر کودک فروخته شده ۵۰۰ دلار دریافت می‌کنند. ایستگاه راه آهن بانکوک مرکز این بازار سیاه است. در کشوری که فقط در سال ۱۹۸۱ حدود پنجاه هزار کودک از گرسنگی تلف شده‌اند، پدر و مادرها بسهولت حاضر میشوند کودکان خود را بفروشند. سیستم آموزشی دبستانی در هنگ کنگ بنحوی است که در همان آغاز تحصیل بسیاری از کودکان را به خیابان میریزد. آنگاه کارگاههای تولید اسباب



دور تازه گفتگوهای اتحاد شوروی و چین

دور سوم مشاورات سیاسی میان اتحاد شوروی و چین، هفته گذشته در پکن آغاز شد. از جانب اتحاد شوروی لئونید ایلچف، جانشین وزیر امور خارجه اتحاد شوروی و از سوی جمهوری تودهای چین کیان کیشن، جانشین وزیر امور خارجه چین، در گفتگوها شرکت دارند. هدف از این گفتگوها، که دور اول و دوم آنها به ترتیب در پکن و مسکو انجام گرفت، بررسی مسائل مورد اختلاف و جستجوی راهبانی برای عادی کردن مناسبات میان دو کشور است. اتحاد شوروی از سالها پیش آمادگی خود را برای آغاز چنین مذاکراتی اعلام کرده بود، ولی مقامات جمهوری تودهای چین، حدود یکسال پیش برای انجام آنها اظهار تمایلی کردند.

آلبانی و کامبوج مناسبات سیاسی را از سر می گیرند

خبرگزاری کامبوج اطلاع می دهد که جمهوری مردمی کامبوج و جمهوری تودهای سوسیالیستی آلبانی تصمیم گرفته اند با یکدیگر مناسبات سیاسی برقرار کنند. در نامه ای که هنگسامرین، رئیس جمهور کامبوج، از انور خوجه دبیر اول کمیته مرکزی حزب کار آلبانی دریافت کرده است گفته می شود که دولت آلبانی پشتیبانی کامل خود را از دولت کامبوج ابراز میدارد. در نامه تأکید شده است که خلق آلبانی از مبارزه با خلقهای ویتنام، لائوس و کامبوج در گذشته پشتیبانی می کرده و اکنون نیز مایل است با آنها دوستانه ترین مناسبات را برقرار کند.

جایزه صلح نوبل به لخ والس داده شد!

جایزه صلح نوبل، که چند سال پیش بطور همزمان به تروریست و آدمکش سابق، مناخس بگین، نخست وزیر سابق اسرائیل و انورسادات، خائن به خلقهای عرب داده شده بود، امسال نصیب ضد انقلابی معروف، لخ والس، رهبر اتحادیه باصطلاح "همبستگی" گردید که هیامری سازمانهای جاسوسی امپریالیستی ضربات مهلکی را بر خلق لهستان وارد آورد و کشور را به آستانه جنگ داخلی کشاند.

بدین ترتیب اعطا کنندگان این جایزه، بار دیگر نشان دادند که هیچ وجه مشترکی میان مبارزان واقعی راه صلح، آنهم در زمانی که تمام خلقهای جهان به مبارزه برای حفظ صلح جهانی و جلوگیری از فاجعه جنگ هستهای برخاسته اند ندارند و تنها هدفشان مبارزه علیه سوسیالیسم و صلح دوستی واقعی و تشویق کسانی است که در

راه تحقق نقشه های شوم امپریالیسم جهانی می کوشند.

مناخس بگین، قهرمان "صلح" با هجوم خائنانه به کشور صلح دوست لبنان، بمباران وحشیانه بیروت و کشتار فجیع در صبرا و شتیلا، علل واقعی دریافت جایزه "صلح" از دست اربابان خود را ثابت کرد. اما خوشبختانه مردم لهستان به لخ والس اجازه ندادند که نقشه های سازمانهای جاسوسی امپریالیستی را تا به آخر پیاده کند.

رهبر تازه حزب کارگران انگلستان

در هشتمادومین کنگره سالانه حزب کارگران انگلستان، نیل کینگ به عنوان رهبر تازه این حزب بجای مایکل فوت رهبر پیشین، که به علت کمهولت سن نامزد احراز این مقام نشده بود، انتخاب گردید.

نیل کینگ، که چهل و چند سال دارد، یکی از همزمان و همفکران مایکل فوت است. او پس از انتخاب شدن سیاست دولت حزب محافظه کار را مورد انتقاد قرار داد و وجود بیکاری وسیع و حذف اقلام مربوط به تأمین اجتماعی را امری غیر اخلاقی خواند. او اعضای حزب را دعوت به یگانگی کرد و از آنان خواست که درس لازم را از شکست حزب در انتخابات اخیر پارلمانی بگیرند. همانطور که کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان چند هفته پیش با استقرار موشک های میان برد آمریکائی در انگلستان مخالفت کرده بود، کنگره حزب کارگران انگلستان نیز تصمیماتی با همین روح اتخاذ کرد.

محمد علی آگجا

سوء قصد کننده به جان پاپ

متهم به افترا زنی علیه

سرگی آنتونوف شهروند بلغاری شد

بطوریکه خوانندگان گرامی "راه توده" اطلاع دارند، سال گذشته، محمد علی آگجا، تروریست ترک، که سوء قصدی نافرجام به جان پاپ کرده بود ناگهان، مطابق نقشه طرح شده از سوی سیا "اعتراف" کرد که سرگی آنتونوف، معاون نمایندگی شرکت هواپیمائی بلغارستان در رم، او را به کشتن پاپ تشویق کرده و وسایل لازم را در اختیار او گذاشته است.

رسانه های گروهی امپریالیستی، از این دروغ خود ساخته سوء استفاده کردند و تبلیغات پر سروصدائی را علیه جمهوری تودهای بلغارستان، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برافراختند. اکنون، که نزدیک به یکسال از این ماجرا می گذرد، ما رتلا، قاضی ایتالیائی، که به این پرونده رسیدگی می کند به این نتیجه رسیده است که ادعای محمد علی آگجا جز یک افترای واهی چیز دیگری نبوده و باین جهت به مجرم افترا زنی رسماً علیه او اذعاناً صادر گردیده است. اما معلوم نیست که ما رتلا در راه اعاده حقیقت و عدالت تا چه حد پیش برود. زیرا طرح این افترا از مغز محیوب آگجا تراوش نکرده، بلکه از

سرویس های "عملیات کثیف" در رسانه های جاسوسی امپریالیستی و بویژه سیا بیرون آمده و پلیس مخفی ایتالیا هم در تحقق آن سهم بسزایی داشته است. مستقل از اینکه تروریست ترک بعلت ایراد افترا مورد مجازات قرار بگیرد و یا نگردد نمیتوان تردید داشت که محرکین اصلی در پنتاگون، سیا و دیگر مراکز جاسوسی نا شناخته خواهند ماند.

یک اقدام جالب و قابل تحسین!

بدنیال ره نمود "راه توده"، مبنی بر ضرورت حفظ کتابهای منتشر شده از طرف حزب توده ایران و نیز دیگر آثار مترقی، یکی از هواداران حزب توده ایران در شهر پونای هندوستان، تعداد ۲۰۷ جلد کتاب، به سازمان هواداران حزب توده ایران در این شهر، اهدا کرده است.

ما با تشکر از این رفیق، از تمام خوانندگان "راه توده" تقاضا داریم که لیست کتابهای خود را برای ما ارسال دارند تا بدین طریق بتوانیم با استفاده از کتب و دستاویزهای چاپ آن آثاری را که کمیاب هستند و در مرحله فعلی از اهمیت خاصی برخوردارند، تدارک ببینیم.

کمک مالی به

حزب توده ایران،

یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در

هانووور (آلمان فدرال)

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را

تأمین کردند

آرش و سوسن ب. کمک مالی شما از هلند رسید.

بلدا از آلمان فدرال ۲۰۰۰ مارک

ف. هامبورگ ۳۰ مارک

RAHE TUDEH

No. 63

Friday, 14 Okt. '83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM Italy	600	L.
France	3 Fr. U.S.A.	40	Cts.
Austria	8 Sch. Sweden	3	Skr.

